



## بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آناشیشستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد ربیعی\*، منصور گرکز\*\*، علیرضا حسن ملکی\*\*\*، علیرضا معطوفی\*\*\*\*

### چکیده

یکی از نظریه‌هایی که در بحبوحه تحولات پارادایمی دانش علوم انسانی در کنار نظریه‌های دیگر اقتصاد مثل مارکسیسم در ضدیت با قدرت‌گرایی صرف، ظهور یافت و امروزه پا به عرصه‌های دیگر علوم انسانی، همچون دانش حسابداری گذاشته است، نظریه آناشیشمی می‌باشد. هدف این مقاله بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آناشیشستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. با توجه به ماهیت مطالعه مبنی بر آزمون فرضیه پژوهش، ابزار مورد استفاده در این مقاله، پرسشنامه می‌باشد که برای سنجش پاسخگویی شرکت از پرسشنامه استاندارد برونز (۲۰۰۵) بهره شده است، اما بدلیل بدیع بودن متغیر مستقل (برونزا) مطالعه حاضر یعنی کارکردهای حسابداری آناشیشستی، پرسشنامه می‌بایست ساخته می‌شد. به همین دلیل در فاز کیفی مطالعه از طریق نظریه داده بنیاد، نسبت به شناسایی زمینه‌های این پدیده محوری اقدام شد. لذا طی ۱۴ مصاحبه انجام شده با خبرگان و سه مرحله کدگذاری، تلاش شد تا مقوله‌ها و مولفه‌های محوری شناسایی شده، مبنای ایجاد پرسشنامه محقق ساخت قرار گیرند. در نهایت جهت آزمون فرضیه پژوهش نیز از تحلیل حداقل مربعات جزئی بهره برده شد. نتایج نشان داد، کارکردهای حسابداری آناشیشستی بر پاسخگویی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتیجه کسب شده حاکی از این موضوع است که، توسعه رویکردهای حسابداری پیشرفته

\* دانشجوی دکترا، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

\*\* دانشیار، گروه حسابداری، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

\*\*\* دانشیار، گروه حسابداری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران. نویسنده مسئول: منصور گرکز

\*\*\*\* دانشیار، گروه حسابداری، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. m\_garkaz@yahoo.com

همچون حسابداری آنا‌رشیستی که با آگاهی از نیازهای بیرونی، در تلاش برای ایجاد برابری و ضدیت با قدرت‌گرایی صرف ساختار شرکت‌های انحصارگرا هستند، از ظرفیت‌های بالاتری در پاسخگویی برخوردار می‌باشند.

### واژه‌های کلیدی

حسابداری آنا‌رشیستی، پاسخگویی شرکت، شکستن انحصارگرایی قدرت.

### مقدمه

در نظریه‌های اقتصاد کلاسیک، آنا‌رشیسم به عنوان یک رویکرد بین رشته‌ای در فلسفه‌های سیاسی و اقتصادی شناخته می‌شود که با نقد سیستم‌های سلسله‌مراتبی دارای قدرت و اقتدار تک‌بُعدی، از جمله نظام‌های سرمایه‌داری یا اصطلاحاً سیستم‌های بورژوازی<sup>۱</sup>، در تلاش برای غیرمتمرکز کردن منافع انحصاری گروه‌هایی است که خود را ارجح بر سایر ذینفعان تلقی می‌کنند (وایت و ویلامز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). لذا بنیان نظریه اقتصادی آنا‌رشیستی، حول این ایده پایه‌گذاری شده است که جریان نظام آزاد، می‌بایست به اولویتی برای توسعه‌ی حکمرانی‌نهادها در توسعه برابری و عدالت متمرکز گردد تا گروهی از صاحبان قدرت در رأس هرم تصمیم‌گیری بنگاه‌ها یا سازمان‌ها چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، خود را مالک تمام و کمال منافع تلقی نمایند و با اتخاذ سیاست‌های تک‌بُعدی منجر به تضییع حقوق ذینفعان نگردند (اردستانی، ۱۳۸۹). بر این اساس گسترش این نظریه به حوزه دانش حسابداری را می‌توان به عنوان یک رویکرد نوظهور، مبنایی برای تقارن اطلاعات مدنظر قرار داد. چراکه با کنکاش در رویکردهای مورد تأکید در این نظریه و تطبیق آن با کارکردهای حسابداری به ویژه کارکردهای آن در عرصه‌ی بازار سرمایه، این شکاف قابل تفسیر است که پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی ذینفعان، غالباً در سایه هزینه‌های نمایندگی و پراکندگی استانداردهای حسابداری منطبق بر حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، مخدوش مانده است و بسط این نظریه در رویه‌های حسابداری می‌تواند ضمن ظهور یک مفهوم جدید در بستر این دانش، مشروعیت پاسخگویی حسابداری به انتظارات و نیازهای ذینفعان در تصمیم‌گیری‌های مالی را ارتقاء بخشد (نیسنزو و توفانو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

از این رو، حسابداری آنا‌رشیستی را می‌بایست در پیوند با زمینه‌های اقتصادی این نظریه، کارکردی در جلوگیری از انحصارطلبی صاحبان قدرت در رأس هرم ساختاری

شرکت‌ها توصیف نمود که با افشاء سطح وسیع‌تری از اطلاعات اختیاری، این قابلیت را دارد که به تداوم ارتباط توأم با اطمینان بیشتر ذینفعان به شرکت‌ها کمک نماید (ساندستورم<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر ساخت مفهوم حسابداری آنا‌رشیستی را می‌بایستی نوعی از پیاده‌سازی رویه‌های افشاء در گزارشگری مالی تلقی نمود که با غنیمت‌شمردن مقابله با ناکارآمدی‌های اطلاعاتی در بازار و نظام اقتصاد جریان آزاد، در پی حفظ صلابت بالاتر پاسخگویی به نیازها و انتظارات ذینفعانی می‌باشد که غالباً در مرادوات گذشته‌ی خود با شرکت‌ها، از قابلیت‌هایی چندانی برای نظارت بر عملکردهای مالی آن‌ها برخوردار نبوده‌اند (فونیل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). طبق این دیدگاه، حسابداری آنا‌رشیستی را می‌توان پاسخی به فقدان مکانیسم‌های مقابله با نابرابری اطلاعاتی تلقی نمود، به ویژه، اینکه توسعه‌ی مسئولانه‌تر ارزش‌های مورد تأکید در این سطح از حسابداری می‌تواند سطح ناکارآمدی‌های نظارتی را از طریق یکپارچه‌سازی هنجارهای افشاء متوازن‌تر اطلاعات، تقویت کند (بلونچ و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۲۳).

لذا با درک مفاهیم ارائه شده می‌توان اذعان نمود، یکی از منبعث‌ترین پسایندهای پیاده‌سازی مفهوم آنا‌رشیستم در رویه‌های حسابداری، پاسخگویی با کیفیت‌تر به نیازها و انتظارات ذینفعان است، که به عنوان یک رویکرد پژوهش‌قیاسی می‌تواند مبنایی برای توسعه پژوهش‌های آینده در حوزه‌های مختلفی از پیوند نظریه‌های دیگر اقتصاد با دانش حسابداری تلقی گردد. به عبارت دیگر پاسخگویی به عنوان یک مکانیزم برآمده از حسابداری آنا‌رشیستی، می‌تواند اهرم محرک کارکردهای بیرونی شرکت‌ها در اقناع نیازهای اطلاعاتی تلقی گردد، که غالباً تحت بی‌تعهدی شرکت‌ها در سایه فقدان نظارت‌های کارآمد در گذشته، منجر به تضييع حقوق ذینفعان شده است و حرفه حسابداری را با چالش بی‌اعتمادی مواجه نموده است (گروسی و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۲۴). لذا برای به درک درست از ماهیت پاسخگویی در دانش حسابداری به عنوان یک وظیفه نهادی می‌توان با ارجاع به استانداردهای بخش عمومی، دریافت که این حرفه در راستای وظایف قانونی و اصول اولیه، موظف به شفاف‌سازی اجرای رویه‌های مالی ثبت شده در گزارشگری‌های محوله برای ارتقاء سطح آگاهی‌های ذینفعان می‌باشد (غلامی‌جمکرانی و کاوه، ۱۳۹۸). بسط این رویکرد متعهدانه به عرصه‌های تجاری و بازرگانی برای درک ماهیت پاسخگویی در حرفه حسابداری تقریباً با کارکردی مشابه همراه است، چراکه حسابداری در این

عرضه‌ها نیز، مسئولیت مشخصی در برابر انتظارات ذینفعان اعم از سرمایه‌گذاران، سهامداران، قانونگذاران و حتی ان‌جی‌اوها دارد تا با پایبندی به استانداردهای الزام‌آور ابلاغ شده در این حرفه، بتواند به شکل گسترده‌تری مسئولیت‌های عملکردی خود را به تعالی برساند تا به معنای واقعی کلمه، از کارکردهای بالاتری در برآورده‌سازی نیازهای اطلاعاتی ذینفعان برخوردار باشد (فتحه و کرمی، ۱۴۰۲).

براین اساس این مطالعه با ترکیب اکتشافی کارکردهای حسابداری آنارشیستی در بستر روش‌های کیفی، مبنی بر سنجش پاسخگویی با صلابت‌تر شرکت‌ها در بستر روش‌های کمی، می‌تواند از اهمیت نظری و کاربردی برخوردار باشد. به عبارت دیگر این مطالعه را می‌توان به واسطه توالی مفاهیم ترکیب شده برای آزمون فرضیه پژوهش به عنوان هدف نهایی، در زمره پژوهش‌های نوظهوری دسته‌بندی نمود که می‌تواند ظرفیت‌های دانش حسابداری به لحاظ شناخت ادبیات وسیع‌تری از مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای از یک سو و شفافیت‌سازی‌های عملکردی را بر پایه هنجارهای فراگیر در سطح شرکت‌های تجاری از سوی دیگر، را توسعه بخشد. براین اساس طی دو بخش نظری و کاربردی اهمیت این مطالعه قابل بسط می‌باشد.

اولاً، مروری بر متون موجود نشان می‌دهد که مطالعه حاضر جزء مطالعه‌های بدیع و محدودی است، که تلاش دارد تا ضمن ارائه چارچوب نظری در رابطه با کارکردهای حسابداری آنارشیستی، تأثیر آن را بر پاسخگویی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دهد. از این رو، مطالعه‌ی حاضر علاوه بر پر کردن خلأ مطالعاتی در مورد جنبه‌های مقابله‌ی حسابداری با تمامیت‌خواهی صاحبان قدرت در شرکت‌ها، می‌تواند به توسعه و غنی‌سازی ادبیات حسابداری از منظر آنارشیستی در کشورهای در حال توسعه مانند بازار سرمایه ایران کمک کند و توانایی ارتباط با ذینفعان را تقویت نماید. علاوه بر این، این مطالعه شواهد تجربی در مورد ارتباط مثبت بین حسابداری آنارشیستی و پاسخگویی به ذینفعان ارائه می‌کند، که ممکن است تقارن اطلاعات و ارزش‌های اجتماعی را در اقتصادهای نوظهور مانند ایران تقویت کند.

ثانیاً، این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران حسابداری و تنظیم‌کنندگان استاندارد در این حرفه کمک کند تا به زمینه‌های مؤثر بر آنارشیسم حسابداری مانند سیستم‌های اطلاعاتی، اثربخشی کنترل‌های داخلی، ارائه گزارش‌های تفسیری توجه ویژه‌تری داشته

باشند. از آن‌ج‌ا‌که مهم‌ترین بخش توسعه یک استاندارد یا مقررات اجرایی، انطباق و تطبیق محتوای مفاهیم حسابداری با ارزش‌های مورد انتظار سهامداران است، توجه به انجام این مطالعه می‌تواند به ارتقاء مسئولیت‌پذیری بالاتر در بازار سرمایه در راستای پاس‌خ‌گویی قانونی شرکت‌ها به موسسات نهادی و نظارتی منجر گردد، چراکه اساساً مسئله‌ی حسابداری آنا‌رشیسم نوعی هنجارسازی شناختی در راستای اصول این حرفه، جهت مقابله با فرصت‌طلبی‌ها و منفعت‌خواهی‌های ساختاری شرکت‌هایی است که از مزیت هزینه نمایندگی و عدم نفوذ کافی سهامداران بر عملکردهایشان، نهایت بهره را می‌برند. لذا هدف این پژوهش در وهله اول ارائه چارچوب نظری حسابداری آنا‌رشیسم و در وهله‌ی دوم ترکیب ابعاد برآمده از چارچوب نظری پدیده محوری با پاس‌خ‌گویی شرکت‌ها جهت آزمون فرضیه پژوهش می‌باشد.

## مبانی نظری

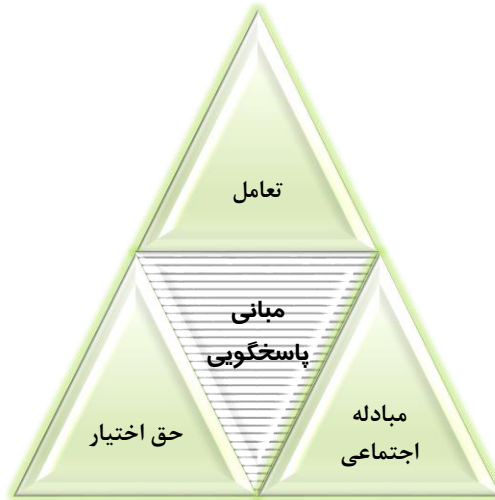
در راستای مفاهیم متغیرهای پژوهش، در این بخش اقدام به ارائه مبانی نظری برای پشتوانه‌سازی اجرای پژوهش می‌شود.

### پاس‌خ‌گویی شرکت

تغییر ماهیت پاس‌خ‌گویی در جنبه‌های مختلف سازمانی، باعث شده تا کاربرد این واژه در گذشته به شکل اغراق آمیزی صرفاً ساختاری تلقی گردد، در حالیکه تغییر در زمینه‌های مختلف سازمان باعث گردید تا پاس‌خ‌گویی بیشتر به سمت مسئولیت‌پذیری حرکت نماید (سینکلیر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸). در زمان ظهور این مفهوم، بیشتر بر جنبه‌های فردی مسئولیت‌پذیری تأکید می‌شد در حالیکه دامنه‌ی توسعه‌ی این مفهوم در ادبیات نظری جدید تر، پاس‌خ‌گویی را از منظر اثربخشی به سمت جمع‌گرایی مدنظر قرار داده است. به عبارت دیگر، یعنی پاس‌خ‌گویی علاوه بر اینکه مسئولیت‌پذیری جمعی تلقی می‌شود، می‌بایست به عنوان یک بینش فردی نیز مدنظر قرار گیرد. دوینک<sup>۹</sup> (۲۰۰۵) به عنوان یکی از پیشروان این عرصه در مدیریت، مسئولیت‌پذیری و پاس‌خ‌گویی را دو اصل جدایی ناپذیر توصیف می‌کند و اذعان می‌داد، پاس‌خ‌گویی به عنوان فرآیند ناشی از حساب‌دهی حیطه‌ی اختیارات فردی، باعث می‌گردد تا سیستم یا واحد مورد نظر، از کیفیت بالاتری در مسئولیت‌پذیری برخوردار باشد. در همین راستا مولگان<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) پاس‌خ‌گویی را مبنایی از سه رویکرد طبق شکل ۱

توصیف می‌نماید.

شکل ۱: ابعاد پاسخگویی از نظر مولگان



طبق این ساختار، پاسخگویی از طریق تعامل‌پذیری بین فردی و سازمانی، منجر به شکل‌دهی مبادله‌ی اجتماعی می‌شود و این مسئله می‌تواند همسوسازی و ضمانت اجرای نظارت‌های نهادی برای اقناع نیازها و انتظارات ذینفعان را به همراه داشته باشد. در این ساختار فرد مسئول جهت پاسخگویی، حق اختیاری را تقبل می‌نماید که می‌بایست در برابر حقوق خواهان پاسخ، یعنی شهروندان؛ مشتریان یا ارباب رجوع، از طریق ضمانت‌های اجرایی، خود را ملزم به پاسخگویی نماید (لی و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۳). از طرف دیگر مارک بوونز<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۵) در بسط مفهومی پاسخگویی، به دو جنبه پاسخ‌خواهی و پاسخگویی فردی می‌پردازد. این تقابل در نیازها و انتظارات، باعث می‌شود تا خواسته‌ها به عاملی برای پاسخگویی بدل شود و میدان رضایت از عملکردها وسیع‌تر گردد. در واقع بوونز (۲۰۰۵) معتقد است، دامنه‌ی پاسخگویی برای تبدیل شدن به یک باور فردی، نیازمند محرک‌هایی از جنس فلسفی و معنوی‌گرایی در وجدان بیدار فردی است که باعث می‌شود تا سه عنصر تعهد و الزام فردی، تعهد اجتماعی و تعهد قانونی مطابق آنچه در شکل ۲ ارائه شده‌اند، در بستری هم‌چون بازارها؛ توانایی نهادی بالاتری در پاسخگویی و ضمانت‌های اجرایی پایبندی به قوانین را حاصل کنند (فاوری-مارچسی و پینکوئس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶).

شکل ۲: پیامدهای پاسخگویی یک واحد در محیط اجتماعی



همانطور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، همه‌ی اشکال پاسخگویی، در کنار قوانین و الزامات، به هنجارهایی برای توسعه نیاز دارند که بتواند بستری از تعامل‌گرایی را ایجاد کند. در ادامه یکی از مهمترین طبقه‌بندی‌های نظری در حوزه‌ی پاسخگویی که توسط اریکلا<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۷) ارائه شده است، بیان می‌شود.

جدول ۱: طبقه‌بندی انواع پاسخگویی

انواع پاسخگویی	ماهیت	سازوکارهای پاسخگویی	ساختارهای پاسخ
پاسخگویی سیاسی	دموکراتیک و بیرونی	عمومی	نهادی
پاسخگویی بروکراتیک	ساختاری سازمانی	سلسله‌مرتب و رویه‌ای	رسمی
پاسخگویی شخصی	هنجارگرایی اخلاقی	فرهنگ‌ها و ارزش‌های رفتاری	فردی و جمعی گرایانه
پاسخگویی حرفه‌ای	پیچیده و مبتنی بر تخصص‌ها	ارتقاء مهارت‌های حرفه‌ای	یادگیری
پاسخگویی عملگرایانه	ستادی و مشتری‌مدارانه	رقابتی و خودتنظیمی	بازار
پاسخگویی گفتمان مشترک	تعاملی و ارتباط‌گرایانه	بحث و گفتگو در قالب واحدها	پایداری

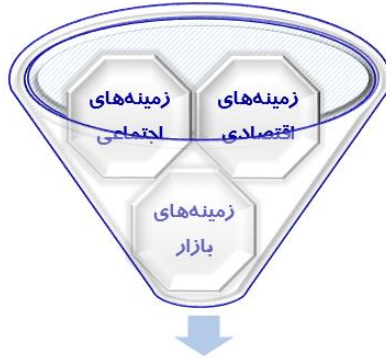
همانطور که این طبقه‌بندی‌ها نشان می‌دهد، پاسخگویی ابعاد مختلفی دارد که بر حسب ماهیت، سازوکارهای پاسخگویی متفاوتی را شامل می‌شود که تحت وجود ساختارهای پاسخ می‌تواند به رضایتمندی منجر شود. به عنوان مثال، پاسخگویی سیاسی، در بستری با ماهیت دموکراتیک معنا می‌یابد که می‌تواند در برابر نیازهای عمومی ذینفعان، مسئولیت‌های نهادی خود را ایفا کند. یا در پاسخگویی بروکراتیک، ماهیت اجرایی ساختارهای سازمانی بر اساس سلسله‌مراتبی است که می‌تواند به سطح آگاهی ذینفعان، رسمیت ببخشد. اما احتمالاً فضای بازار که مبتنی بر رقابت‌ها بنا نهاده شده است، پاسخگویی را از منظر عملگرایانه مورد توجه قرار می‌دهد تا بر پایه‌ی مهارت‌های فردی، پایبندی به اصول و

استانداردهای مدون بتواند، نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را جلوه گر باشد. اما آنچه مشخص است، اساساً پاسخگویی عملگرایانه بدون توجه به ظرفیت‌های حرفه‌ای یا گفت‌وگو مشترک برای رسیدن به سطح از پایداری در بازار، قابلیت کافی را برای اقناع نیازهای ذینفعان نمی‌تواند داشته باشد.

### حسابداری آناشیشیستی

آناشیشیسم به عنوان یک کنشگرایی در برابر سیستم‌های تمامیت‌خواه تعریف می‌شود که معمولاً به دلیل ابراز عمیق نارضایتی‌ها از شرایط متقارن و برابر بین گروه‌های اقلیت با اکثریت در عرصه‌های اقتصادی و تجاری، زمینه‌ساز بروز جنبش‌های اعتراضی می‌گردد (فرتی<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر، شکل‌گیری چنین جنبش‌هایی، همواره به دلیل نارضایتی از وضعیت‌های موجود اجتماعی در جوامع و بر مبنای فرآیند کنشگرایانه مستقیم، تاکتیکی یا پنهان به وجود می‌آید، که معمولاً منشأ آن، اعتراض به تمامیت‌خواهی‌های دولت‌ها یا گروه‌های صاحب قدرت می‌باشد که می‌تواند به تغییر سیاست‌های تک‌بُعدی یا انحصاری منجر شود (فادی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۲۳). لذا کنشگرایی آناشیشیسم را می‌بایست اشاعه‌ی ارزش‌های متوازن در جوامع تلقی نمود که به واسطه نظریه پردازی‌های صورت گرفته در گذشته، از شهرت طولانی به عنوان ایدئولوژی متفاوت با دیگر شکل‌های اعتراض در نظریه‌های سیاسی و اقتصادی برخوردار می‌باشد (ویلیامز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۲۴). در واقع آناشیشیسم اشاره به همفکری ساختاریافته‌ی مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی دارد، که در مقابله با ایدئولوژی‌های انحصارطلبانه، تلاش دارد تا ساختارهای تحکم‌گر گذشته را به ساختارهای متوازن و یکپارچه براساس هنجارهای مشترکی بازآرایی نماید (راشا<sup>۱۸</sup>، ۲۰۲۲). اندیشه آناشیشیستی از مالکیت اجتماعی، برای ارائه قابلیت‌های برابری و عدالت از طریق دسترسی آسان‌تر به ابزارها و اشتراک منافع حمایت می‌کند و مبنایی برای حفاظت از حقوق اقلیت‌ها در برابر صاحبان قدرت تلقی می‌شود (کینا و پرچارد<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۹). این مفهوم نظری در حالیکه در هستی‌شناسی معنایی خود عمدتاً به واسطه‌ی مدل‌های اقتصادی پسا سرمایه‌داری و کمونیسم، در پی مبارزه با طبقه‌های بورژوازی می‌باشد، در رویکردهای اجتماعی مبتنی بر تعامل‌گرایی ضدساختار نامتوازن (وایت و ویلیامز<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۴) و در رویکردهای بازار از ساحتی مبتنی بر رعایت اخلاق‌گرایی هنجاری و رفتاری تبعیت می‌کند (میوسمینی و همکاران<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۹).

شکل ۳: هستی‌شناسی بسط رویکرد آنا‌رشیسم به دانش حسابداری



هستی‌شناسی آنا‌رشیسم در حسابداری

در این راستا بسط آنا‌رشیسم به حسابداری را می‌بایست پیوندی از سه جنبه اقتصاد، بازار و اخلاق‌گرایی هنجاری تلقی نمود که به دنبال ایجاد توازن و تقارن اطلاعات در آشکارسازی انتظارات ذینفعان در برابر سلطه‌ی تک‌بعدی ساختار صاحبان قدرت می‌باشد (ساندستورم، ۲۰۲۱). در این راستا تینکر<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۵) در بحبوحه‌ی ظهور نظریه آنا‌رشیسم، پیشنهاد کرد که حسابداری باید ارزیابی خود از رویه‌های اجتماعی، براساس تئوری اقتصادی نهادگرا<sup>۲۳</sup> را با الگوبرداری از رویکردهای ارزش‌محور مارکس، دوباره بررسی کند. اخیراً کاتپاول و اسمیت<sup>۲۴</sup> (۲۰۱۶) ماهیت طبقاتی اطلاعات حسابداری و استفاده از آن در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جهت حل اختلاف بین ذینفعان با شرکت‌ها را بر پایه‌ی هزینه نمایندگی به عنوان مبنای توسعه‌ی مفهوم آنا‌رشیسم، مورد بررسی قرار دادند و اذعان کردند که وجود اطلاعات حسابداری نامتعارف با اولویت‌های سرمایه‌داری و مدیریتی، محدودیت‌هایی برای حفاظت از منافع فراگیر ذینفعان را به وجود آورده است (آگبوجو و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۲۰۲۱). این محققان توضیح دادند که به وجود آمدن جنبش‌های اجتماعی ناشی از آنا‌رشیسم در حسابداری می‌توانند به برابری و تقارن اطلاعات عملکردی شرکت‌ها در پایداری گزارشگری کمک نماید. از طرف دیگر پیرس و همکاران<sup>۲۶</sup> (۲۰۲۳) وجود اطلاعات خنثی تحت عدم قطعیت‌های محیطی در فرآیندهای گزارشگری مالی را به پیشبرد اهداف سرمایه‌داری حاکم، در یک نظام سیاسی تشبیه نمودند و اذعان کردند که در چنین فضای آکنده‌ای از منفعت‌طلبی ساختاری شرکت‌ها، حقوق ذینفعان به شکل گسترده‌ای مورد تعرض قرار می‌گیرد. لذا در این شرایط، جنبش‌های برآمده از نظریه‌های

اجتماعی/سیاسی/اقتصادی احتمالاً در شکل‌گیری ارزش‌های فراگیرتر حسابداری برای ذینفعان مثرتر عمل نماید.

با این حال حتی با وجود پشتوانه‌ی نظری محدود، مبنی بر شناخت مفهوم آنارشیسم در حسابداری، اینطور به نظر می‌رسد که عدالت مقتدر و متمرکز حاکمیتی در شرکت‌ها هم نتوانسته، در مواجهه با نابرابری‌های اجتماعی ناشی از مالکیت‌های انحصارطلبانه‌ی صاحبان شرکت‌ها، سهم قابل قبولی از رویکردهای حسابداری در رعایت برابری و عدالت را به منصفه ظهور برساند. لذا از آنجاییکه مبانی رویکردهای نظریه‌پردازانی همچون فرانکس<sup>۲۷</sup> (۲۰۱۰)؛ سرنی و ریچارد<sup>۲۸</sup> (۲۰۱۷) و لاو و استویت<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۸) به آنارشیسم در دوران سرمایه‌داری و عرصه‌های انحصارگرایانه‌ی شرکت‌ها، ترویج ارزش‌های ابزاری برای دستیابی به توازن و برابری بالاتر می‌باشد، حسابداری نیز می‌تواند از طریق عقلانیت ابزاری کارکردی مشابه در عرصه‌های دیگر (سیاسی/اقتصادی و اجتماعی) مبنی بر رعایت حقوق ذینفعان را بر عهده داشته باشد (ولیان و عبدلی، ۲۰۲۴). چراکه حسابداری به عنوان ابزاری برای تعدیل روابط بین ذینفعان و در نتیجه شکل‌دادن به شرایط تقارن اطلاعاتی، در عرصه‌های اجتماعی ایفای نقش می‌کند و می‌تواند متعادل‌کننده‌ی نیازهای ذینفعان با عملکردهای واقع‌گرایانه‌ی شکل گرفته در بازارهای رقابتی تلقی گردد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲). لذا بسط معنای آنارشیستی به حسابداری، پرورش رفتارهای فراگیر در توسعه‌ی ارزش‌های برابر تلقی می‌شود که می‌تواند از طریق یادگیری اجتماعی به ارتقاء اعتماد و تعامل بالاتر بین ذینفعان در چارچوب بازار و نظام اقتصادی منجر گردد. گاتری و پارکر<sup>۳۰</sup> (۱۹۹۰) نیز در این راستا، گزارش‌های حسابداری را به عنوان ابزاری برای ساخت، حفظ و مشروعیت‌بخشیدن به ترتیبات سیاسی/اقتصادی، نهادی و ایدئولوژیک توصیف می‌کنند که می‌تواند در افزایش فضیلت حرفه حسابداری برای رعایت‌گرایی متوازن، مهم تلقی گردد و ابزاری عملگرایانه در افشاء اطلاعات اجتماعی شرکت‌ها با درک نیازها و انتظارات ناشی از زمینه‌های اجتماعی به حساب بیاید که اولویتش صرفاً پاسخگویی بالاتر به ذینفعان است.

### حسابداری آنارشیستی و پاسخگویی

حسابداری آنارشیستی مطابق رویکردی که از آن ارائه شد، سازوکاری در پابندی به ارزش‌های رقابتی بازار تلقی می‌شود که در پی فرو ریختن تقدس مالکیت خصوصی به نفع

اشخاص صاحب قدرت در ساختار شرکت‌هایی می‌باشد که اهدافی غیر از اهداف رعایت برابری و تقارن اطلاعاتی را پیگیری می‌نمایند (فونیل، ۵، ۲۰۰۷). لذا ترویج رویکرد آنا‌رشیستی در حسابداری را می‌بایست نقطه‌ی مقابل رویکرد کاپیتالیسم در بازار تلقی نمود که دائماً تلاش دارد حسابداری را ابزاری برای تداوم نابرابری‌ها و در نتیجه ظلم و ستم بیشتر توسط یک اقلیت دارای قدرت و ثروت به تصویر بکشد (ساندستورم، ۴، ۲۰۲۱). در درک ماهیت این پدیده محوری در یک بستر تطبیقی مفهومی، می‌توان حسابداری آنا‌رشیستی را موازی با رویکردهای حسابداری دموکراتیک که برآمده از ارزش‌های کثرت‌گرایانه است، در نظر گرفت، چراکه هر دو مفهوم در تلاشی زائد و الوصف به دنبال همه‌گیری منافع در ساختارهای فعال شرکت‌ها در سطح بازارهای مالی است (اقدام‌مزرعه و همکاران، ۱۳۹۶). لذا براساس این نقطه‌ی ثقل، حسابداری آنا‌رشیستی، ابزاری دموکراتیک در محیط کوچکتری از جامعه، همچون بازار تلقی می‌شود، که هدف آن حمایت از حقوق سهامداران بر مبنای پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی است که غالباً به دلیل قدرت تحت تسلط طلبانه صاحبان شرکت‌های منفعت‌طلب، به شکل انحصاری و گزینشی عرضه می‌گردد و تضییع حقوق ذینفعان را به همراه دارد (فری و همکاران، ۳، ۲۰۲۴). برای درک بهتر کارکردهای حسابداری آنا‌رشیستی لازم به ذکر است در دوران رشد سرمایه‌داری که با ادغام و ترکیب شرکت‌های بزرگ همراه بود، اختلاس و تقلب به عنوان یک عامل کاهنده‌ی اعتماد در بین ذینفعان توسعه داده شد و حسابداری کلاسیک عملاً از قابلیت‌های کافی برای پاسخگویی بالاتر در برابر چنین بی‌عدالتی‌هایی برخوردار نبود که بتواند ناکارآمدی‌های نظارتی را از طریق ارزش‌های مورد انتظار ذینفعان، پوشش دهد و به تقارن‌پذیری اطلاعات کمک نماید (ولیان و عبدلی، ۲۰۲۴).

لذا تحولات پارادایمی در جریان جنبش‌های اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته در ظهور نظریه‌های جدیدتر، منجر به توسعه بالاتر ارزش‌های حرفه‌ای حسابداری از طریق مسئولیت‌پذیری در برابر ناترازی‌های اطلاعاتی گردید (قرائی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳). تا این حرفه از ظرفیت‌های کافی برای مقابله با این پدیده‌های شوم که از یک سو منافع شهروندان را مورد تضییع قرار می‌داد و از سوی دیگر مانع مشروعیت حسابداری جهت پاسخگویی به ذینفعان در ارتقای شفافیت‌های مالی می‌شد، برخوردار باشد (گادارد، ۳، ۲۰۲۱). لذا حسابداری آنا‌رشیسم به دلیل مقابله با چنین رخدادهایی در پی ایجاد آزادی‌های فردی و

جمعی در بازار سرمایه است تا براساس آن بتواند سطح پاسخگویی به عملکردهای شرکت‌ها در برابر ذینفعان را به تعالی محوری رهنمون سازد (نارایان و آرو، ۳، ۲۰۲۴).

بنابراین، باتوجه به این که حسابداری آنا‌رشیستی به دنبال مخالفت با انحصار اطلاعات و حفاظت از منافع اقلیت‌ها در شرکت‌ها است، این موضوع می‌تواند به توانایی سهامداران برای مجاب کردن بالاتر شرکت‌ها به پاسخگویی با کیفیت‌تر کمک نماید (عظیم و آرا، ۳۴، ۲۰۱۵). زیرا سهامداران در یک بازار آزاد همیشه به دنبال تقارن اطلاعاتی برای کنترل ریسک و دستیابی به بازده‌های بالاتر هستند. لذا در این اثناء حسابداری آنا‌رشیستی می‌تواند به دلیل از بین بردن جریان‌های انحصاری اطلاعات، به تقویت انگیزه‌های سهامداران برای حفظ روابط با شرکت‌ها کمک نماید و شکاف هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد. زیرا شرکت‌ها در چنین فضای تبدلی در می‌یابند که احترام به منافع سهامداران به عنوان جنبه مهمی از مشروعیت از طریق پاسخگویی قابل تحقق است (انگز و آریکا-استروس، ۳۵، ۲۰۲۳). از این رو، حسابداری آنا‌رشیستی به واسطه‌ی احترامی که برای منافع سهامداران قائل است، می‌تواند بستری از اطمینان را در بازار به وجود بیاورد که شرکت‌ها به شیوه‌ی مسئولانه و اخلاقی از پاسخگویی متناسبی با نیازهای ذینفعان، علی‌الخصوص سهامداران برخوردار باشند. به عبارت دیگر با ترویج شفافیت، پاسخگویی و انصاف، این کارکرد حسابداری می‌تواند به ایجاد اعتماد و اطمینان بالاتر سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر ذینفعان به شرکت منجر گردد و ظرفیت‌های مشروعیت ناشی از پاسخگویی را توسعه بخشد. لذا با ارائه مفاهیم معدودی از رویکردهای نوظهور این مطالعه در تأثیرگذاری کارکردهای حسابداری آنا‌رشیستی با پاسخگویی، می‌توان فرضیه زیر را برای آزمون در بستر شرکت‌های بازار سرمایه، مطرح نمود:

فرضیه پژوهش: کارکردهای حسابداری آنا‌رشیستی بر پاسخگویی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد.

### پیشینه

لئون و همکاران<sup>۳۶</sup> (۲۰۲۴) پژوهشی تحت عنوان «نقش فراگیر حسابداری و پاسخگویی در شرایط اضطراری COVID – 19 به ذینفعان» انجام دادند. این پژوهش از روش غربالگری محتوایی با تمرکز بر مرور مقاله‌های شماره ویژه مجله حسابداری؛ حسابرسی و

پاسخگویی<sup>۳۷</sup> (AAAJ) که به موضوعات نوظهور در زمینه نقش حسابداری و پاسخگویی در دوران همه‌گیری کرونا (COVID – 19) پرداخته بود، تلاش شد تا معیارهای مرتبط با این مفاهیم مورد بررسی قرار گیرد. نتایج از وجود دو مبنای اصلی در حسابداری و پاسخگویی حکایت داشت. اول اینکه تغییرات و خطرات شیوه‌های حسابداری و پاسخگویی در طور فراگیری کرونا نیازمند تغییر است و دوم اینکه از طریق افشاء اطلاعات به شیوه‌های بلاغتی و گزارشگری به موقع نسبت به تغییر پاسخگویی به ذینفعان در پسا کرونا می‌بایست توجه لازم صورت گیرد. آکوآتی جالاتنگ و همکاران<sup>۳۸</sup> (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «توسعه حسابداری متقابل<sup>۳۹</sup>: حسابداری و پاسخگویی برای بدهی‌های گذشته» انجام دادند. این مطالعه به صورت موردی انجام شده است و از ابزار تمثیل و استعاره برای توصیف ماهیت توسعه‌ی حسابداری متقابل جهت پاسخگویی بالاتر بهره می‌برد. برای این منظور از طریق دیدگاه گافمنیسم از مجموع رویکردهای اروینگ گافمن، تلاش شد تا ماهیت حسابداری متقابل به عنوان پشتیبان رویه‌های حسابداری کلاسیک، باهدف شفافیت بیشتر حساب‌های شرکتی در مقابل ذینفعان خود، بدهی‌های سالیان گذشته را تسویه نماید تا سطح پاسخگویی شرکت را افزایش دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که حساب‌های متقابل اطلاعات قابل توجهی در مورد بدهی‌های گذشته به ذینفعان ارائه می‌کند. در واقع به دلیل توسعه حسابداری متقابل، انعطاف‌پذیری ابزارهای حسابداری، شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا جنبه‌های فراگیرتری از افشای عملکردهای مالی توسعه یابد. در حالی که عملکرد رویه‌های گذشته حسابداری، باعث شده تا اقدامات پنهان‌سازی شرکت‌ها به ریزش سهامداران شرکت‌ها منجر شود. لذا این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که توسعه حسابداری متقابل می‌تواند زمینه‌های پاسخگویی شرکت را توسعه بخشد. دی‌تیولی و همکاران<sup>۴۰</sup> (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «فراتر از مرزها: کاوش پاسخگویی کثرت‌گرایانه در عصر جدید دنیای رقابت» انجام دادند. این مطالعه یک مقاله تأملی و هنجاری است که با استفاده از استدلال‌ها و ادبیات دانشگاهی چند رشته‌ای معاصر، شواهد و مثال‌هایی را برای توجیه کارکردهای سیستم پاسخگویی متکثرگرایانه به صورت مطالعه‌ی موردی ارائه می‌نماید. این تغییرات جدید که سرمنشأ آن به بسط نظریه‌های اقتصادی در دانش حسابداری بر می‌گردد، از نهادهای دولتی و خصوصی می‌خواهد که مسئولیت‌پذیری ترکیبی و کثرت‌گرا را در قبال تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی خود بپذیرند. زبان حسابداری برای انعکاس و

یکپارچگی وسیع‌تری از مسئولیت در این بستر می‌تواند ابزاری برای کسب مشروعیت بالاتر تلقی شود. لذا چشم‌اندازهای آینده‌ی حسابداری، بسیار متفاوت‌تر از واقعیت‌هایی است که امروزه مشاهده می‌شود و سیستم‌های حسابداری می‌بایست آمادگی پذیرش چنین نقش‌هایی در آینده را داشته باشند تا بتوانند به نسل‌های آینده پاسخگویی بیشتر عرضه نمایند. کچپاول و سیمز<sup>۴۱</sup> (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «نقش حسابداری در جنبش‌های اجتماعی: کاوشی در عمل حسابداری انتقادی» انجام دادند. این مطالعه با الهام از جنبش‌های اجتماعی در طی چند سال گذشته حرکت به سمت آزادی و برابری بیشتر را آغاز نموده است. لذا با اتکاء به رویکردهای مارکسیسم کلاسیک یک چارچوب نظری جایگزین برای تحلیل نمونه‌ای از اطلاعات حسابداری و جنبش‌های اجتماعی ایجاد می‌کند تا مناقشه حقوقی ناشی از شکایات اتحادیه کاری و سهامداری را پوشش می‌دهد. این مقاله با بحث در مورد ماهیت طبقاتی اطلاعات حسابداری، از جمله کاوش در مفاهیم عملکرد حسابداری و عاملیت در مبارزات ضد منفعت طلبی ساختاری به دنبال ایجاد برابری و تقارن اطلاعات است. نتایج نشان می‌دهد پذیرش تغییرات ناشی از جنبش‌های اجتماعی در حسابداری می‌تواند به افزایش ظرفیت‌های انتقادگرایی فلسفی در این حرفه کمک نماید و فرصت‌های برابری و عدالت را به ابزاری برای مشروعیت بدل نماید. زارع و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان «پاسخگویی در حسابداری از منظر اسلام با محوریت تئوری ساخت‌یابی» انجام دادند. این مطالعه در دسته پژوهش‌های کیفی است که در راستای هدف پژوهش با بررسی متون علمی و قرآنی و مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان علوم قرآنی و اعضای هیئت علمی دانشگاه رشته‌های حسابداری، جامعه‌شناسی و علوم اسلامی صورت گرفته است. در این مطالعه از روش تحلیل تم، اطلاعات به دست آمده تحلیل گردید. ابزار تحقیق در بخش کیفی، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته و نمونه پژوهش با استفاده از ترکیب روش‌های غیراحتمالی، هدفمند قضاوتی و گلوله برفی انتخاب شدند. مطابق یافته‌های پژوهش، رویکرد پاسخگویی، سطوح پاسخگویی، ابعاد پاسخگویی، ارکان (اجزای) پاسخگو، اصول پاسخگویی، تقویت پاسخگویی به عنوان تم‌های اصلی تحقیق شناسایی شدند که مولفه‌ها و مدل پاسخگویی حسابداری از منظر اسلام در چارچوب تئوری ساخت‌یابی را تبیین می‌کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الگوی اسلامی با تمرکز بر عاملیت در تئوری ساخت‌یابی، ضعف‌های این تئوری شامل نادیده گرفتن اخلاق و نیت

قوی در عاملیت را پوشش می‌دهد. تقویت عاملیت، تقویت ساختار و نهایتاً تقویت نظام‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. این امر منجر به شکوفایی زبان پاسخگویی در نظام حسابداری خواهد شد. باورصاد و همکاران (۱۳۹۷) مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر چابکی راهبردی بر پاسخگویی عملیاتی و عملکرد سازمانی» انجام دادند. جامعه آماری این پژوهش کاربردی را ۱۸۰ شرکت تولیدی بزرگ استان خوزستان تشکیل می‌دهد. واحد آماری جامعه، مدیران عملیاتی / مالی / بازاریابی آن شرکت‌هاست که ۱۲۲ شرکت با استفاده از فرمول کوکران برای جوامع محدود، به عنوان نمونه انتخاب شد و پرسشنامه‌ای در اختیار مدیر عملیاتی / مالی / بازاریابی هریک از شرکت‌ها قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه شین و همکاران<sup>۴۲</sup> (۲۰۱۵) است که روایی محتوایی آن را خبرگان و اساتید دانشگاهی تأیید کردند و روایی سازه آن، از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با بهره‌گرفتن از نرم‌افزار «SPSS» و روش معادلات ساختاری صورت پذیرفت. نتایج نشان داد چابکی راهبردی بطور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق پاسخگویی عملیاتی)، عملکرد سازمانی را بهبود می‌بخشد. چابکی راهبردی، پاسخگویی عملیاتی سازمانی را افزایش می‌دهد. همچنین، پاسخگویی عملیاتی موجب ارتقا عملکرد سازمانی می‌شود.

مرور پیشینه‌های پژوهش در بردارنده‌ی دو شکاف نظری و کاربردی است، به این معنا که اولاً مطالعه‌های گذشته، مفهوم نوظهور بسط کارکردهای آمارشیستی در حسابداری را مورد توجه قرار نداده‌اند و این مطالعه از این نظر می‌تواند در زمره پژوهش‌های اکتشافی قرار گیرد که به توسعه ادبیات نظری این حرفه در آینده کمک می‌نماید. ثانیاً مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد ترکیب دو مفهوم مدنظر این مطالعه یعنی حسابداری آمارشیسم و پاسخگویی شرکت‌ها در پژوهش‌های قبلی مدنظر قرار نگرفته است و این مطالعه می‌تواند ظرفیت‌های شناختی سیاستگذاری‌های آتی بازار سرمایه را توسعه بخشد.

## روش‌شناسی

طبق دسته‌بندی مطالعه‌های حوزه علوم انسانی از سه منظر نتیجه، هدف و نوع داده می‌توان نسبت به ارائه روش‌شناسی پژوهش اقدام نمود. براین اساس مطالعه حاضر به لحاظ هدف اکتشافی قلمداد می‌شود، چراکه با تمرکز بر پدیده محوری حسابداری آمارشیسم در

این مطالعه، تلاش خواهد شد تا جنبه‌های نوظهور این مفهوم در بستر حسابداری تبیین گردد. پدیده‌ای که از انسجام نظری لازم برخوردار نیست و این مطالعه با هدف ارائه یک چارچوب نظری از طریق مصاحبه، به دنبال شناخت بهتر کارکردهای حسابداری آنارشیستی می‌باشد. از نظر نتیجه این مطالعه را می‌بایست توسعه‌ای و کاربردی در نظر گرفت، چراکه مغفول ماندن پیوند کارکردهای نظریه‌های بین رشته‌ای در حسابداری علی‌الخصوص مفهوم آنارشیسم در ادبیات این حرفه، نتوانسته است به برداشتن گام‌های مؤثری در سرعت بخشیدن به ادراک تئوری‌های نوظهور در حسابداری کمک نماید. لذا این مطالعه از طریق شناسایی زمینه‌های مفهومی حسابداری آنارشیسم و بسط تأثیر آن بر پاسخگویی شرکت به ذینفعان، به دنبال بستری از جنبه‌های شناخت نظری و کاربردی در بازار سرمایه می‌باشد. در نهایت از نظر نوع داده نیز، این مطالعه را می‌بایست آمیخته توصیف نمود، چراکه در فاز اول مطالعه از طریق نظریه داده بنیاد نسبت به زمینه‌یابی جنبه‌های کارکردی حسابداری آنارشیستی از طریق ابزار مصاحبه اقدام می‌شود و سپس با انجام تحلیل دلفی، پایایی مولفه‌های محوری و مضامین مفهومی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در فاز کمی به عنوان هدف غایی مطالعه حاضر، نسبت به آزمون فرضیه پژوهش از طریق ابزار پرسشنامه و تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS) اقدام شود.

### جامعه آماری

باتوجه به ماهیت جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، مشارکت کنندگان بخش کیفی مطالعه، متخصصان و خبرگان دانش حسابداری در سطح دانشگاهی می‌باشند. این افراد که صاحب‌نظر و دارای تجربه حرفه‌ای در حوزه رویه‌های حسابداری؛ افشاء اطلاعات و گزارشگری محسوب می‌شوند، از طریق نمونه‌گیری نظری و فرآیند گلوله برفی انتخاب گردیدند. لازم به توضیح است در بخش کیفی و جهت انجام مصاحبه، باتوجه به رویکردهایی همچون سابقه آموزشی خبرگان در حوزه‌ی نظریه‌های حسابداری و مدیریت از یک سو و سابقه‌ی پژوهش در حوزه‌های فلسفه‌ی حسابداری از سویی دیگر، تلاش شد تا حد کفایت خبرگی مورد توجه قرار گیرد و افرادی برای مصاحبه دعوت شوند که براساس دانش و آگاهی شناختی بتوانند، ابعاد گسترده‌تری از پدیده‌ی مورد بررسی را در مصاحبه‌ها پوشش دهند. با آغاز مصاحبه‌ها و معرفی سه مصاحبه‌شونده‌ی اولیه و معرفی مصاحبه‌شوندگان دیگر براساس معیارهای یاد شده در فرآیند گلوله برفی، تعداد ۱۴

بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آمارشیستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده و... ۱۶۹

مصاحبه به اجرا درآمد، چراکه نقطه‌ی اشباع تئوریک مبنای اتمام مصاحبه‌ها در این دست از پژوهش‌های تلقی می‌شود.

در بخش کمی از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده، نسبت به انتخاب مدیران مالی و رؤسای حسابداری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال مطالعه، اقدام شد. باتوجه به اینکه آمار دقیقی از جامعه آماری وجود ندارد، لذا برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با فرض جامعه آماری نامعلوم به صورت زیر استفاده می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲):

$$n = \frac{Z_{\alpha/2}^2 pq}{d^2} \quad \text{رابطه (۱)}$$

در این فرمول؛  $n$  = تعداد نمونه؛  $Z_{\alpha/2}$  = مقدار نرمال استاندارد یعنی عدد ۱/۹۶؛  $pq$  = نسبت صفت متغیر یعنی عدد ۰/۵؛  $d^2$  = احتمال خطای اندازه‌گیری برابر است با ۰/۰۵. باتوجه به فرمول کوکران در جوامع نامحدود، تعداد تقریبی حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد، اما برای افزایش روایی پژوهش، تعداد ۴۵۵ پرسشنامه به صورت تصادفی بین شرکت‌کنندگان توزیع شد و در نهایت، از این تعداد ۴۱۲ پرسشنامه برگشت داده شد که از این میزان، تعداد ۴۰۱ مورد از آن قابل تجزیه و تحلیل بود. براساس فرآیند توزیع پرسشنامه، نرخ بازگشت توزیع پرسشنامه‌های به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

جدول ۲: توزیع و نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها

حداقل نمونه آماری	پرسشنامه توزیع شده	پرسشنامه دریافت شده	پرسشنامه قابل تجزیه و تحلیل	نرخ بازگشت (درصد)	نرخ قابلیت تحلیل
۳۸۴	۴۵۵	۴۱۲	۴۰۱	۹۰/۵۴ درصد	۹۷/۳۳ درصد

همانطور که مشخص است، از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده، ۹۰/۵۴ درصد برگشت شد که از این تعداد ۹۷/۳۳ درصد آن مورد تأیید برای انجام تحلیل حداقل مربعات جزئی بوده است.

### متغیرهای پژوهش و ابزار اندازه‌گیری

باتوجه به ترکیبی بودن شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و دو مبنایی بودن پدیده‌ی مورد بررسی در این مطالعه، جمع‌آوری داده‌ها در هر بخش به تفکیک تشریح می‌شود.

شیوه جمع‌آوری داده‌های مطالعه/متغیر مستقل ← حسابداری آمارشیسم: باتوجه به تشریح روش‌شناسی ارائه شده، به دلیل فقدان زمینه‌های شناختی کارکردهای حسابداری آمارشیسم برای سنجش این متغیر جهت آزمون فرضیه پژوهش از تحلیل نظریه داده بنیاد بهره برده می‌شود.

در این فرآیند ابزار مورد استفاده مصاحبه با خبرگان پژوهش می‌باشد تا طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ابعاد سنجش کارکردهای حسابداری آنارشیسم مشخص گردد. نکته قابل توجه تمرکز بر راهبرد ظاهرشونده‌ی انجام کدگذاری‌ها در فرآیند نظریه داده بنیاد می‌باشد تا براساس تکنیک نقطه اشباع، ضمن اتمام مصاحبه با خبرگان، زمینه‌های احتمالی که توصیف کننده‌ی این پدیده محوری می‌باشند، به عنوان سوالات پژوهش در قالب پرسشنامه محقق ساخت، امکان آزمون فرضیه پژوهش را مهیا نمایند. در طول انجام مصاحبه با اتکاء به تمرکز بر پرسش سوالات از خبرگان به صورت رفت و برگشت یا اصطلاحاً سازوکار «U»، تلاش شد تا فرآیند کدگذاری داده‌ها از مسیر شناختی جریان اصلی پدیده‌ی محوری مطالعه خارج نشود. براین این منظور در این مسیر طبق پرتکل‌های مصاحبه، سوالات باز به صورت رفت و برگشتی از خبرگان پرسیده شد و با کدگذاری در پایان هر مصاحبه تلاش می‌شد تا در لایه اول دسته‌بندی، کدهای باز مشابه در یک مولفه جایگذاری شوند. سپس طی کدگذاری محوری، مولفه‌های مشابه به یک مقوله اختصاص یابند. لذا با تلفیق روش‌های گردآوری داده به شکل مصاحبه‌های بدون ساختار و نیمه‌ساختار یافته، تلاش می‌شد تا یادداشت‌برداری نظری در حین مصاحبه و سریعاً پس از اتمام مصاحبه صورت گیرد تا مضامین قابل استنادتری به دلیل آمادگی ذهنی مصاحبه‌کنندگان از جلسه برگزار شده، بدست آید و از سوگیری‌های احتمالی در کدگذاری جلوگیری شود. در نهایت نیز با مشخص شدن کارکردهای محوری حسابداری آنارشیستی از طریق تحلیل دلفی، نسبت به سنجش پایایی زمینه‌های محوری در بخش کیفی اقدام شد تا امکان ساخت پرسشنامه محقق ساخت طبق مقیاس لیکرت از کاملاً موافقم [۵ امتیاز] تا کاملاً مخالفم [۴ امتیاز] محقق گردد. براین اساس [۳] خرده مقیاس و [۷] سوال مبنای ساخت این پرسشنامه قرار گرفت که طبق شکل (۴) چارچوب آزمون فرضیه و یافته‌های بخش کیفی مطالعه، مبنای سنجش کارکردهای حسابداری آنارشیستی قابل رویت می‌باشد.

**شیوه جمع‌آوری داده‌های مطالعه/متغیر وابسته ← پاسخگویی شرکت:** به منظور سنجش پاسخگویی شرکت از پرسشنامه استاندارد بوونز<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) استفاده می‌شود. طبق این پرسشنامه، معیارهای پاسخگویی شرکت‌ها براساس یک پرسشنامه ۹ سوال و مقیاس لیکرت [۵] گزینه‌ای از کاملاً موافقم [۵ امتیاز] تا کاملاً مخالفم [۴ امتیاز] مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پرسشنامه شامل ۳ خرده مقیاس می‌باشد که پایایی آن در پژوهش بوونز

بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آمارشیستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده و... ۱۷۱

(۲۰۱۰) با ضریب آلفای کروناخ [۰/۷۹] مورد تأیید قرار گرفته است. لذا در ادامه خرده مقیاس‌های این متغیر به همراه شرح سوالات پژوهش، ارائه می‌شوند:

❖ **پاسخگویی قانونی:** پاسخگویی قانونی به آن بخش از سازوکارهای مسئولانه‌ی شرکت‌ها اشاره دارد که در راستای پایبندی به الزامات نهادی و ابلاغی، تلاش دارد با تفکیک شفاف اختیارات محوله در واحدهای سازمانی، سطح صیانت از حقوق ذینفعان را ارتقاء بخشد. در این معیار ۳ سوال به ترتیب زیر در جدول ۳ ارائه شده است که براساس مقیاس لیکرت [۵] امتیاز از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، مبنایی برای سنجش این خرده مقیاس تلقی می‌شود.

جدول ۳: سوال‌های خرده مقیاس پاسخگویی قانونی

مقیاس لیکرت					شرح سوال
۱	۲	۳	۴	۵	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۱] آیا ارائه دوره‌ای گزارش عملکردهای مالی به نهادهای نظارتی مبنی بر رعایت الزامات تدوین شده، ظرفیت‌های مشروعیت پاسخگویی شرکت را تقویت می‌کند؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۲] آیا ارائه نتیجه بازرسی‌های قانونی صورت گرفته بر عملکرد شرکت به ذینفعان می‌تواند ظرفیت‌های مشروع پاسخگویی شرکت را تعالی بخشد؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۳] آیا ارائه گزارش‌هایی به ذینفعان مبنی بر تشویق سوت‌زنی سازمانی و احراز تخلف‌های صورت گرفته در درون ساختارها، می‌تواند ظرفیت‌های مشروع پاسخگویی شرکت را ارتقاء بخشد؟

مراجعه به سوالات این خرده مقیاس، نشان دهنده‌ی نوعی خودکنترلی عملکردهای قانونی شرکت در پاسخگویی به نهادها و ذینفعانی است که از شرکت‌های سرمایه‌پذیر انتظار دارند تا حقوق آن‌ها را مورد احترام قرار دهند.

❖ **پاسخگویی حرفه‌ای:** این سطح از پاسخگویی که معمولاً در حوزه‌هایی با پایبندی به کارکردهای مورد التزام استانداردهای تخصصی عین شده است، نشان‌دهنده تفاوت بین شرکت‌ها از نظر جایگاه اعتباری در بین سیاستگذاران حوزه‌های تخصصی می‌باشد. در این سطح پاسخگویی معمولاً ارزیابی براساس رعایت‌پذیری اصول و استانداردهای فنی و تخصصی صورت می‌پذیرد و شرکت‌هایی که از ظرفیت‌های بالاتری در برآورده‌سازی انتظارات نظارت استاندارد و کمیته‌ای برخوردار باشند، از جایگاه مشروع‌تری در بازار رقابتی برخوردار هستند. این معیار طبق جدول (۴) طبق سوال‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## جدول ۴: سوال‌های خرده مقیاس پاسخگویی حرفه‌ای

مقیاس لیکرت					شرح سوال
۱	۲	۳	۴	۵	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۴] آیا ارائه نقاط ضعف کنترل‌های داخلی می‌تواند به عنوان مبنایی در پاسخگویی حرفه‌ای شرکت مدنظر قرار گیرد؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۵] آیا ارائه گزارش‌های تفسیری می‌تواند به عنوان مبنایی در پاسخگویی حرفه‌ای شرکت مدنظر قرار گیرد؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۶] آیا ارائه گزارش‌های مرتبط با انتزاع بخشی نظام راهبری با آیین‌نامه‌های استاندارد، مبنایی در پاسخگویی حرفه‌ای شرکت‌ها تلقی می‌شود؟

با ارجاع به سوالات سوم تا ششم مرتبط با این خرده مقیاس، مشخص می‌گردد که تمرکز بر رعایت‌پذیری استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی شرکت‌ها برای سنجش پاسخگویی نسبت به عملکردهای اجرایی مدنظر می‌باشد تا در ارزیابی‌های کمیته‌های منتصب به تدوین استانداردها، قابلیت‌های مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

❖ **پاسخگویی فردی:** در این خرده مقیاس، متصدیان اجرایی دارای اختیارات محوله براساس همراستایی ویژگی‌های تعهدی و اخلاقی با ویژگی‌های شرح تخصص و مهارت‌های تعریف شده در یک شغل، مسئولانه به دنبال پاسخگویی هستند. این سطح از پاسخگویی با الهام از نظریه شهروند سازمانی، افراد را در برابر مسئولیت‌های تحت تصدی خود مسئول تلقی می‌کند تا مسیر حوزه‌های عملکردی از شفافیت بالاتری برای آگاهی‌سازی ذینفعان برخوردار باشد.

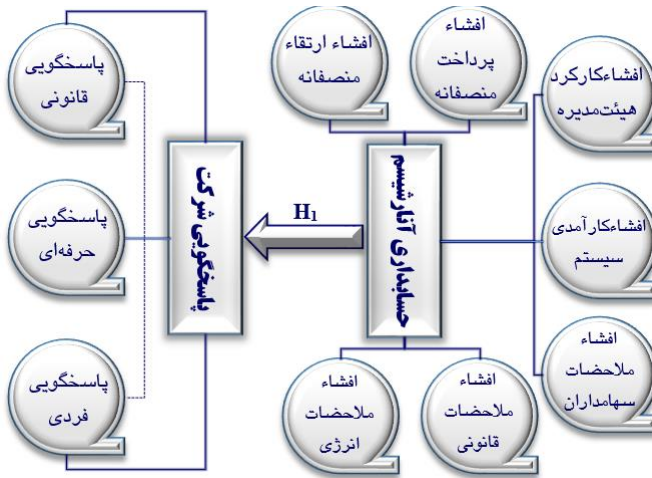
## جدول ۵: سوال‌های خرده مقیاس پاسخگویی فردی

مقیاس لیکرت					شرح سوال
۱	۲	۳	۴	۵	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۷] آیا مستندسازی عملکردهای فردی در قالب گزارش‌های دوره‌ای می‌تواند مصداقی در پاسخگویی فردی تلقی شود؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۸] آیا ارائه مستندات مرتبط با تشویق‌ها و تنبیه‌های فردی می‌تواند مصداقی در پاسخگویی فردی تلقی شود؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	[۹] آیا ارائه مستنداتی در صرفه‌جویی‌های سازمانی توسط متصدیان اجرایی، می‌تواند مسئولیت‌پذیری فردی در پاسخگویی قلمداد گردد؟

سوالات مطرح شده در سطح پاسخگویی فردی، نشان می‌دهد توسعه ارزش‌های نظارت بر عملکردهای فردی و ارائه نتایج کارکردهای هریک از افراد در راستای حوزه‌های

اختیاری، می‌تواند سطح مسئولیت‌پذیری‌های سازمانی را در مجموع افزایش دهد. لذا با ارائه خرده‌مقیاس‌های سنجش پاسخگویی شرکت به عنوان متغیر درونزا در این مطالعه، می‌توان جهت آزمون فرضیه پژوهش نسبت به ارائه چارچوب نظری در قالب شکل ۴ اقدام نمود.

شکل ۴: چارچوب آزمون فرضیه پژوهش



در واقع این چارچوب نظری جهت آزمون فرضیه پژوهش نشان دهنده‌ی خرده‌مقیاس‌های متغیرهای درونزا و برونزا، مطالعه حاضر می‌باشد که از طریق تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS) نتیجه و جهت مطالعه را نشان می‌دهد.

#### پایایی و روایی پرسشنامه

بر اساس تعیین زمینه‌های کارکرد حسابداری آناارشیسیم از طریق مصاحبه و نظریه داده بنیاد، در وهله اول برای سنجش پایایی ابعاد شناسایی شده، می‌بایست جهت سنجش روایی از روش مثلث‌سازی<sup>۴۳</sup> استفاده شود. این روش اعتبارسنجی به دنبال جلوگیری از «سوگیری ذاتی<sup>۴۴</sup>» در فرآیند پیاده‌سازی تحلیل‌ها می‌باشد. لذا در این مطالعه برای محقق شدن این امر، در ۴ بعد نسبت به مرور نظرات خبرگان پس از پایان کدگذاری اقدام به اعتبارسنجی در بخش کیفی گردید.

❖ **[معیار اول]** مثلث‌سازی منابع داده‌ها: در این معیار هدف، تعیین سطح متناسبی از ارتباط بین ابعاد شناسایی شده با حوزه‌های نظری برآمده از پژوهش‌های علمی می‌باشد. بنابراین از آنجاییکه فرآیند تحلیل نظریه داده بنیاد مورد استفاده شده در این مطالعه، از رعایت چنین تناسبی برخوردار است، می‌توان اذعان نمود که روایی مبتنی بر مثلث‌سازی منابع داده‌ها، مورد تأیید می‌باشد. چراکه مرحله کدگذاری انتخابی در روش گرنند تئوری، برای شناسایی مقوله‌های اصلی، با ارجاع نظری برای تطبیق بیشتر کدهای ایجاد شده با ادبیات دانش حسابداری و گزارشگری مالی صورت گرفت.

❖ **[معیار دوم]** مثلث‌سازی همکاران محقق: هدف این معیار مثلث‌سازی، ارزیابی کدهای ایجاد شده از نظر گروه‌های همتا می‌باشد. در این مطالعه پس از پیاده‌سازی فرآیندهای تحلیلی فاز کیفی، مجدداً مراحل کدگذاری توسط چند پژوهشگر هم سطح در استفاده از این روش، مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود آیا شیوه‌های کدگذاری برای رسیدن به زمینه‌های کارکردی حسابداری آنارشیستی مورد تأیید طبق دستورالعمل تحلیل می‌باشد یا خیر. لذا از این افراد خواسته شد تا برداشت خود را از سیر تحلیل کیفی مبنی بر شناسایی ابعاد محوری اذعان نمایند تا نزدیکی دیدگاه‌های تحلیلی، پشتوانه علمی و ابزارهای مورد استفاده، تقویت گردد. لذا اظهارنظرهای مطرح در این معیار، حکایت از تأیید، معیارهای شناسایی شده دارد.

❖ **[معیار سوم]** مثلث‌سازی روش پیاده‌سازی: هدف این معیار مثلث‌سازی، چگونگی رسیدن به حد اجماع نظری در شناسایی ابعاد پدیده محوری مطالعه یعنی کارکردهای حسابداری آنارشیستی بود. برای تفسیر روایی در روش گرنند تئوری جهت تعیین نقطه اشباع، لازم به توضیح است که کدگذاری پس از اتمام هر مصاحبه صورت می‌گرفت تا با دسته‌بندی مضامین مفهومی، مولفه‌ها و مقوله‌ها پدیدار شوند. براین اساس فرآیندهای گام به گام طی شده در بخش کیفی می‌تواند از اعتبار پیاده‌سازی تحلیلی برخوردار باشد.

❖ **[معیار چهارم]** مثلث‌سازی نظریه: هدف این معیار مثلث‌سازی، یکپارچه‌سازی زمینه‌های شناسایی شده پدیده محوری در قالب یک چارچوب نظری می‌باشد تا با ایجاد یک مفهوم مشترک، مبنایی برای تعمیم معیارهای شناسایی شده به بستر مطالعه جهت آزمون فرضیه تلقی گردد. لذا باتوجه به محورهای اصلی و مقوله‌های ایجاد شده در چارچوب نظری، می‌توان دریافت، مضامین گزاره‌ای برآمده از مصاحبه‌ها تاحدی توانسته‌اند ادراک مشخصی از کارکردهای حسابداری آنارشیستی در بستر مطالعه را برای ساخت پرسشنامه محقق ساخت ایجاد نمایند.

سپس به منظور تأیید پایایی معیارهای شناسایی شده مبنی بر امکان تعمیم آن به بستر مطالعه از تحلیل دلفی بهره برده شد، تا همانطور که نتایج این تحلیل در جدول ۷ مشخص نموده است، نسبت تأیید حد اجماع نظری خبرگان اقدام لازم صورت گیرد و پایایی ابعاد مورد تأیید قرار داده شود. لذا با ایجاد پرسشنامه محقق ساخته متغیر برونزا مطالعه حاضر یعنی کارکردهای حسابداری آنارشیستی طبق جدول ۸ امکان سنجش این متغیر براساس روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تعیین روایی و پایایی متغیر مستقل این مطالعه یعنی پاسخگویی شرکت که از پرسشنامه استاندارد استفاده شد، نیز ابتدا نظر متخصصان مبنی بر تناسب محتوایی خرده مقیاس‌های سنجش این متغیر و سوالات پرسشنامه بررسی شد، که با بازنگری جزئی برخی از سوالات باهدف درک بهتر مشارکت کنندگان، امکان توزیع پرسشنامه مهیا گردید. همچنین پایایی پرسشنامه‌ی استاندارد بوونز (۲۰۰۵) در پژوهش بوونز (۲۰۱۰) با ضریب آلفای کرونباخ [۰/۷۹] مورد تأیید قرار گرفت.

### یافته‌ها

در این مطالعه براساس ماهیت تحلیل‌های مورد استفاده جهت جمع‌آوری داده‌ها، به تفکیک نسبت به ارائه‌ی یافته‌های پژوهش اقدام می‌شود. اما ابتدا لازم است تا اطلاعات جمعیت شناختی مطالعه ارائه گردد. لذا با توجه به تشریح فرآیند انتخاب نمونه، طبق جدول ۶ اطلاعات جمعیت شناختی به ترتیب زیر ارائه می‌شود.

جدول ۶: اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش)

ردیف	سن		فعالیت‌های دانشگاهی			جنسیت		جمعیت شناختی کیفی		
	بالاتر از ۴۵ سال	زیر ۴۵ سال	بالاتر از ۱۵ سال	۱۰ تا ۱۵ سال	زیر ۱۰ سال	مرد	زن	معیارها		
۱۴	۸	۶	۱۴	۵	۷	۲	۱۱	۳	فراوانی	
	۱۰۰٪	۵۷.۱۴٪	۴۲.۸۶٪	۱۰۰٪	۳۵.۷۱٪	۵۰٪	۱۴.۲۹٪	۷۸.۵۸٪	۲۱.۴۲٪	درصد فراوانی

سن مشارکت‌کنندگان	جنسیت		جمعیت شناختی کمی
	مرد	زن	معیارها
۴۰ تا ۴۶ سال بیشتر از ۵۱ سال	۳۰ سال ۲۹۰ نفر	۴۲ سال ۴۲ نفر	فراوانی
۲۰ سال ۳۱۸ نفر	۳۵۹ نفر	۴۲ نفر	درصد فراوانی
۴۰ سال ۸۳ نفر	۳۱۸ نفر	۴۲ نفر	درصد فراوانی
۴۰ سال ۸۳ نفر	۳۱۸ نفر	۴۲ نفر	درصد فراوانی

با اطلاعات ارائه شده در جدول ۵ مشخص می‌گردد، در بخش کیفی از مجموع ۱۴ نفر از خبرگان انتخاب شده، ۳ نفر زن و ۱۱ نفر مرد بودند. با توجه به معیار انتخاب مصاحبه شوندگان براساس تجربه آموزش و پژوهش در قالب معیار فعالیت‌های دانشگاهی مشخص شد، ۲ نفر با درصد فراوانی ۱۴/۲۹٪ زیر [۱۰ سال]؛ ۷ نفر با درصد فراوانی ۵۰٪ [بین ۱۰ تا ۱۵ سال] و ۵ نفر با درصد فراوانی ۳۵/۷۱٪ [بالتر از ۱۵ سال] در بخش کیفی مشارکت داشتند. در بُعد جمعیت شناختی سن مصاحبه شوندگان نیز در زمان مصاحبه و اطلاعات نسبی ارائه شده مشخص نمود ۶ نفر زیر ۴۵ سال و ۸ نفر نیز بالاتر از ۴۵ سال داشتند. در مورد اطلاعات جمعیت شناختی بخش کمی نیز مشخص شد، از مجموع ۴۰۱ پرسشنامه مورد آزمون، ۴۲ زن و ۳۵۹ مرد در امتیازدهی به پرسشنامه‌ها مشارکت داشتند. در خصوص سن مشارکت کنندگان نیز بایستی اذعان گردد که در بازه ۴۰ تا ۴۵ سال ۳۰ نفر با توزیع فراوانی ۷/۵۰٪، در بازه ۴۶ تا ۵۰ سال، ۲۹۰ نفر با توزیع فراوانی ۷۲/۳۱٪ و در بازه بالاتر از ۵۱ سال نیز ۸۱ نفر مشارکت داشتند. در بُعد آخر اطلاعات جمعیت شناختی بخش کمی مطالعه نیز مشخص شد، ۳۱۸ نفر پایین‌تر از ۲۰ سال با توزیع فراوانی ۷۹/۳۰٪ و ۸۳ نفر در بازه بالاتر از ۲۰ سال با توزیع فراوانی ۲۰/۷۰٪ درصد حضور داشتند.

در مسیر تحلیل مطالعه مبنی بر ایجاد پرسشنامه محقق ساخت کارکردهای حسابداری آنارشیستی، از تحلیل نظریه داده بنیاد بهره برده می‌شود. لذا طی مصاحبه با خبرگان و سه مرحله کدگذاری باز؛ کدگذاری انتخابی و کدگذاری محوری انجام شده، شناسایی زمینه‌های کارکردی حسابداری آنارشیستی در جدول ۷ به صورت تفکیک شده صورت گرفت.

جدول ۷: شناسایی کارکردهای حسابداری آناارشیستی

کد گذاری‌های اصلی		کد گذاری	کد گذاری	کد گذاری
کد گذاری باز		محوری	انتخابی	توری
مضامین مفهومی		موفقه‌های اصلی	مقوله‌ها	طبقه‌بندی اصلی
افشای ارزیابی امتیازی برابر جهت ارتقاء منابع انسانی براساس هزینه آموزش و توسعه		افشای ارتقاء برابر منابع انسانی	مقوله‌ها	طبقه‌بندی اصلی
افشای اطلاعات نسبت منابع انسانی حرفه‌ای به ارزش افزوده شرکت جهت ارتقاء منصفانه				
افشای اطلاعات نسبت ارزش افزوده شرکت به سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی				
افشای اطلاعات نسبت تعداد منابع انسانی حرفه‌ای به کل منابع انسانی				
افشای اطلاعات کارایی منابع انسانی				
افشای اطلاعات نوآوری و اختراعات منابع انسانی براساس هزینه آموزش و توسعه				
افشای جزئیات اختصاص پاداش منابع انسانی نسبت به کل پاداش مدیران				
افشای جزئیات پرداخت‌های تشویقی منابع انسانی نسبت به مدیران				
افشای جزئیات اختصاص منابع برای آموزش برابر منابع انسانی				
افشای جزئیات پرداخت حق بیمه درمانی و تأمین اجتماعی منابع انسانی قراردادی و رسمی				
افشای جزئیات گزارش فعالیت هیئت مدیره مبنی بر تعداد جلسات برگزار شده طبق مصوبه		افشای پرداخت منصفانه به منابع انسانی	مقوله‌ها	طبقه‌بندی اصلی
افشای جزئیات نسبت تأثیر سهامداران عمده به تعیین اعضای هیئت مدیره				
افشای جزئیات پاداش هیئت مدیره به خسارات حقوقی ناشی از شکایات				
افشای جزئیات ریسک‌های احتمالی شرکت				
افشای جزئیات دوره تصدی مدیرعامل براساس معیارهای مشخص مثل تعدد پرونده‌های حقوقی				
افشای جزئیات انتصاب مدیران اجرایی حرفه‌ای به کل مدیران منتصب				
افشای سرمایه‌گذاری شرکت بر انکوباتور زیست‌بوم مالی (استارت‌آپ‌های مالی)				
افشای اسکیل‌آپ‌های مالی به عنوان چرخه‌ی ارزیابی گردش نقدینگی				
افشای بازده سطح تراکنش‌های عملیاتی سیستم مالی				
افشای تراکنش‌های مجازی ارزش‌های دیجیتال براساس توکن غیرقابل تعویض (NFT)				

رویه‌های حسابداری در تأمین مفهوم آناارشیستی

کارایی منابع انسانی

کارایی منابع انسانی

افشای شتاب‌دهنده‌های توسعه زیست‌بوم مالی در کارکردهای حسابداری ابری		افشای ملاحظات منافع سهامداران	رعایت منابع انسانی
افشای نسبت رعایت حق تقدم براساس نسبت پایدار دوره‌ای تعداد سهام سهامداران	افشای ارزش برند شرکت		
افشای نقاط ضعف کنترل داخلی	افشای اطلاعات مرتبط با درصد مالکیت مدیریتی		
افشای تداوم تبادلات تجاری شرکت با مشتریان عمده	افشای تداوم مبادلات تجاری شرکت با اشخاص وابسته		
افشای گزارش‌های کمیته‌های استاندارد در پایبندی به حفاظت از محیط زیست			
افشای ارزیابی‌های آزمایشگاهی کربن تولید شده شرکت	افشای اعاده‌های دادرسی حقوقی شرکت	افشای ملاحظات مشروعیت محیطی و قانونی	
افشای جزئیات ریسک‌های حقوقی در گزارش تفسیری مدیریت	افشای دوره‌ای گزارش بازرسان قانونی		
افشای جزئیات میزان باز یافت ضایعات	افشای نتایج ارزیابی ارزیابی چرخه عمر محصولات		
افشای سرمایه‌گذاری‌های شرکت بر روی انرژی‌های پاک			
افشای سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه جهت کاهش هزینه‌های سوختی و فسیلی	افشای بهره‌وری نسبت انرژی تجدیدپذیر با انرژی‌های تجدیدناپذیر	افشای ملاحظات انرژی	
افشای سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های صنعتی مبنی بر مدیریت هدر رفت انرژی	افشای سرمایه‌گذاری بروی توربین انبساطی (توربوآکسپندر) جهت استفاده از انرژی غیرمترکز		

همانطور که در جدول ۷ مشخص شده است، زمینه‌های کارکردی حسابداری آنا‌رشیستی از طریق مصاحبه و کدگذاری تعیین شده است که در ادامه و باهدف سنجش پایایی ابعاد زمینه‌ای شناسایی شده مبنی بر ساخت پرسشنامه برای سنجش متغیر پروتزا مطالعه حاضر در فاز کمی، از فرآیند تحلیل دلفی بهره برده می‌شود که نتایج آن در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: فرآیند تحلیل دلفی

مؤلفه‌ها	مضامین	دور اول دلفی		دور دوم دلفی	
		میانگین	ضریب توافق	میانگین	ضریب توافق
افشای ارتقاء برابر منابع انسانی	افشای ارزیابی امتیازی برابر جهت ارتقاء منابع انسانی براساس هزینه آموزش و توسعه	۵/۵۰	۰/۷۰	۶/۰۰	۰/۸۰
	افشای اطلاعات نسبت منابع انسانی حرفه‌ای به ارزش افزوده شرکت	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۴۵	۰/۶۸

بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آمارشیستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده و... ۱۷۹

					جهت ارتقاء متصفانه	
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشاء اطلاعات نسبت ارزش افزوده شرکت به سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی	
تأیید	۰/۷۷	۵/۷۰	۰/۶۸	۵/۴۰	افشاء اطلاعات نسبت تعداد منابع انسانی حرفه‌ای به کل منابع انسانی	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	افشاء اطلاعات کارایی منابع انسانی	
	حذف		۰/۳۵	۳/۵۰	افشاء اطلاعات نوآوری و اختراعات منابع انسانی براساس هزینه آموزش و توسعه	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۲	۵/۲۰	افشاء جزئیات اختصاص پاداش منابع انسانی نسبت به کل پاداش مدیران	
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشاء جزئیات پرداخت‌های تشویقی منابع انسانی نسبت به مدیران	افشاء
تأیید	۰/۶۸	۵/۳۵	۰/۶۵	۵/۳۰	افشاء جزئیات اختصاص منابع برای آموزش برابر منابع انسانی	پرداخت متصفانه به
تأیید	۰/۶۸	۵/۳۵	۰/۵۸	۵/۱۵	افشاء جزئیات پرداخت حق بیمه درمانی و تأمین اجتماعی منابع انسانی قراردادی و رسمی	منابع انسانی
تأیید	۰/۸۰	۶/۰۰	۰/۷۰	۵/۵۰	افشاء جزئیات هزینه‌های نگهداشت برابر منابع انسانی قراردادی و رسمی	
	حذف		۰/۲۰	۲/۰۰	افشاء جزئیات گزارش فعالیت هیئت مدیره مبنی بر تعداد جلسات برگزار شده طبق مصوبه	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	افشاء جزئیات نسبت تأثیر سهامداران عمده به تعیین اعضای هیئت مدیره	
	حذف		۰/۴۰	۴/۰۰	افشاء جزئیات پاداش هیئت مدیره به خسارات حقوقی ناشی از شکایات	افشاء کارکردهای هیئت مدیره در نظارت راهبری
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۵	۵/۳۰	افشاء جزئیات ریسک‌های احتمالی شرکت	
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۲	۵/۲۰	افشاء جزئیات دوره تصدی مدیرعامل براساس معیارهای مشخص مثل تعدد پرونده‌های حقوقی	
تأیید	۰/۸۴	۶/۲۰	۰/۸۰	۶/۰۰	افشاء جزئیات انتصاب مدیران اجرایی حرفه‌ای به کل مدیران منتصب	

تأیید	۰/۸۸	۶/۳۰	۰/۸۵	۶/۲۰	افشاء سرمایه‌گذاری شرکت بر انکوباتور زیست‌بوم مالی (استارت‌آپ‌های مالی)	افشاء کارآمدی سیستم‌های اطلاعاتی
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشاء اسکیل‌آپ‌های مالی به عنوان چرخه‌ی ارزیابی گردش نقدینگی	
تأیید	۰/۸۲	۶/۱۰	۰/۷۰	۵/۵۰	افشاء بازده سطح تراکنش‌های عملیاتی سیستم مالی	
تأیید	۰/۶۵	۵/۳۰	۰/۶۲	۵/۲۰	افشاء تراکنش‌های مجازی ارزش‌های دیجیتال براساس توکن غیرقابل تعویض (NFT)	
تأیید	۰/۸۲	۶/۱۰	۰/۸۰	۶/۰۰	افشاء شتاب‌دهنده‌های توسعه زیست‌بوم مالی در کارکردهای حسابداری ابری	
تأیید	۰/۸۸	۶/۳۰	۰/۸۵	۶/۲۰	افشاء نسبت رعایت حق تقدم براساس نسبت پایدار دوره‌ای تعداد سهام‌سازان	افشاء ملاحظات منافع سهامداران
تأیید	۰/۶۲	۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۰۰	افشاء ارزش برند شرکت	
تأیید	۰/۶۵	۵/۳۰	۰/۶۲	۵/۲۰	افشاء نقاط ضعف کنترل داخلی	
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۵	۵/۳۰	افشاء اطلاعات مرتبط با درصد مالکیت مدیریتی	
تأیید	۰/۷۷	۵/۷۰	۰/۶۸	۵/۴۰	افشاء تداوم تبادلات تجاری شرکت با مشتریان عمده	
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشاء تداوم مبادلات تجاری شرکت با اشخاص وابسته	افشاء ملاحظات مشروعیت و محیطی و قانونی
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۲۵	افشاء گزارش‌های کمیته‌های استاندارد در پابندی به حفاظت از محیط‌زیست	
تأیید	۰/۶۵	۵/۳۰	۰/۶۲	۵/۲۰	افشاء ارزیابی‌های آزمایشگاهی کربن تولید شده شرکت	
تأیید	۰/۷۴	۵/۶۵	۰/۶۸	۵/۴۵	افشاء اعاده‌های دادرسی حقوقی شرکت	
تأیید	۰/۸۸	۶/۳۰	۰/۸۵	۶/۲۰	افشاء جزئیات ریسک‌های حقوقی در گزارش تفسیری مدیریت	
تأیید	۰/۶۸	۵/۳۵	۰/۵۸	۵/۱۵	افشاء دوره‌ای گزارش بازرسان قانونی	افشاء ملاحظات انرژی
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشاء جزئیات میزان بازیافت ضایعات	
	حذف		۰/۴۵	۴/۵۰	افشاء نتایج ارزیابی ارزیابی چرخه عمر محصولات	
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشاء سرمایه‌گذاری‌های شرکت بر روی انرژی‌های پاک	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۲۵	افشاء سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه جهت کاهش هزینه‌های سوختی و فسیلی	

تأیید	۰/۶۸	۵/۳۵	۰/۵۸	۵/۱۵	افشای بهره‌وری نسبت انرژی تجدیدپذیر با انرژی‌های تجدیدناپذیر
تأیید	۰/۸۲	۶/۱۰	۰/۷۰	۵/۵۰	افشای سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های صنعتی مبنی بر مدیریت هدررفت انرژی
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۲	۵/۲۰	افشای سرمایه‌گذاری بروی توربین‌های انبساطی جهت استفاده از انرژی غیرمتمرکز

نتایج براساس دو راند انجام تحلیل دلفی، نشان دهنده‌ی این موضوع است که از مجموع ۴۰ مضمون برآمده از مرحله‌ی تحلیل نظریه داده بنیاد، [۴] مضمون مفهومی به دلیل اینکه میانگینی کمتر از [۵/۰۰] و ضریب توافقی کمتر از [۰/۵۰] داشتند، حذف شدند. لذا این نتایج تأیید می‌کند که امکان بسط مولفه‌های محوری به بستر مطالعه ممکن می‌باشد. لذا با تأیید پایایی مابقی معیارهای شناسایی شده، کارکردهای حسابداری آمارشستی طبق جدول ۹ نسبت به تهیه پرسشنامه محقق ساخته براساس، مقوله‌های شناسایی شده به ترتیب زیر اقدام نمود:

جدول ۹: پرسشنامه محقق ساخته کارکردهای حسابداری آمارشستی

مقوله‌ها	شرح سوال	مقیاس لیکرت				
		۱	۲	۳	۴	۵
رعایت منافع فردی	[۱] تاچه اندازه افشای ارتقاء منصفانه منابع انسانی در ساختار شرکت‌ها می‌تواند نشان دهنده ارزش شرکت برای عدالت تلقی شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
رعایت منافع نهادی	[۲] تاچه اندازه افشای پرداخت‌های منصفانه به منابع انسانی در ساختار درونی شرکت‌ها می‌تواند نشان دهنده ارزش شرکت برای عدالت تلقی شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
رعایت منافع اجتماعی	[۳] تاچه اندازه ارائه جزئیاتی از اطلاعات عملکردی هیئت‌مدیره در نظارت‌های راهبردی می‌تواند به اعتمادزایی بالاتر برای شرکت در بازار سرمایه تلقی گردد؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
رعایت منافع اجتماعی	[۴] تاچه اندازه ارائه جزئیاتی از عملکردهای سیستم‌های اطلاعاتی، می‌تواند نشان دهنده سطح کارآمدی اهتمام شرکت برای مشروعیت بالاتر تلقی گردد؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
رعایت منافع اجتماعی	[۵] تاچه اندازه افشای رعایت حقوق سهامداران می‌تواند در اتخاذ تصمیم‌های واقع‌گرایانه‌ی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مؤثر باشد؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
رعایت منافع اجتماعی	[۶] تاچه اندازه افشای جزئیاتی از عملکردهای قانونی و حفاظت از محیط‌زیست در دستیابی به توسعه پایدار شرکت مؤثر است؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
رعایت منافع اجتماعی	[۷] تاچه اندازه افشای جزئیاتی از ملاحظیات انرژی در راستای حفاظت از منابع طبیعی می‌تواند شرکت را در دستیابی به پایداری کمک نماید؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

براساس این پرسشنامه محقق ساخته کارکردهای حسابداری آمارشستی و پرسشنامه استاندارد پاسخگویی شرکت، در ادامه فرآیند مطالعه وارد تحلیل حداقل مربعات جزئی

می‌شود تا آزمون فرضیه پژوهش انجام گردد. این روش، برای ارزیابی مدل در هر دو بخش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری کاربرد دارد. مدل ساختاری به بررسی روابط درونی میان متغیرها می‌پردازد، در حالی که مدل اندازه‌گیری، رابطه میان ابعاد و گویه‌ها را بررسی می‌کند. در برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شد. به منظور بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری پژوهش، از ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده می‌گردد.

جدول ۱۰: ضرایب بارهای عاملی

عامل	اختصار	سوالات	بارعاملی
کارکردهای حسابداری آناشستی	AAF	IIO	۰/۶۴۱
		NIO	۰/۶۰۰
		SIO	۰/۷۸۴
رعایت منافع فردی	IIO	IIO[1]	۰/۹۳۹
		IIO[2]	۰/۸۹۹
رعایت منافع نهادی	NIO	NIO[3]	۰/۸۵۱
		NIO[4]	۰/۸۸۲
رعایت منافع اجتماعی	SIO	SIO[5]	۰/۹۱۸
		SIO[6]	۰/۹۱۴
		SIO[7]	۰/۷۹۳
پاسخگویی شرکت	ACCF	L – ACC	۰/۸۱۷
		P – ACC	۰/۷۴۱
		I – ACC	۰/۷۵۰
پاسخگویی قانونی	L – ACC	L – ACC [1]	۰/۸۴۰
		L – ACC [2]	۰/۷۹۵
		L – ACC [3]	۰/۷۲۹
پاسخگویی حرفه‌ای	P – ACC	P – ACC [4]	۰/۹۰۸
		P – ACC [5]	۰/۹۱۶
		P – ACC [6]	۰/۸۸۲
پاسخگویی فردی	I – ACC	I – ACC [7]	۰/۸۵۳
		I – ACC [8]	۰/۹۲۱
		I – ACC [9]	۰/۶۷۴

بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آناشستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده و... ۱۸۳

با تأیید ضریب مطلوبیت بار عاملی معیارهای سنجش فرضیه پژوهش، بالاتر از [۰/۴] می‌توان جهت سنجش پایایی درونی و بیرونی معیارها از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی طبق جدول ۱۱ اقدام نمود. در واقع در این فاز از تحلیل حداقل مربعات جزئی، مبنای تأییدی معیارها برای برازش مطلوبیت قرار گرفتن در سازه‌های آزمون فرضیه پژوهش مدنظر می‌باشد.

جدول ۱۱: نتایج معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان پژوهش

متغیرهای مکنون	اختصار	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7)
کارکردهای حسابداری آناشستی	AAF	۰/۷۱۸	۰/۷۰۹
رعایت منافع فردی	IIO	۰/۹۱۶	۰/۸۱۶
رعایت منافع نهادی	NIO	۰/۸۵۸	۰/۷۷۰
رعایت منافع اجتماعی	SIO	۰/۹۰۹	۰/۸۴۸
پاسخگویی شرکت	ACCF	۰/۸۱۴	۰/۷۵۶
پاسخگویی قانونی	L – ACC	۰/۸۳۲	۰/۷۹۷
پاسخگویی حرفه‌ای	P – ACC	۰/۹۲۹	۰/۸۸۶
پاسخگویی فردی	I – ACC	۰/۸۶۱	۰/۷۵۵

نتایج بدست آمده از جدول ۱۱ نشان می‌دهد، براساس کسب ضریب بالاتر از [۰/۷] هر دو متغیر مطالعه و معیارهای سنجش آن در آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی، می‌توان اذعان نمود که پایایی درونی و بیرونی برای برازش مطلوبیت سازه‌های آزمون فرضیه پژوهش مورد تأیید می‌باشد. سپس باهدف سنجش روایی همگرا به عنوان دومین بُعد پیش آزمون تحلیل حداقل مربعات جزئی، نسبت به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سؤالات (شاخص‌ها) مرتبط با هر متغیر و خرده مقیاس طبق جدول ۱۲ اقدام می‌گردد.

جدول ۱۲: نتایج روایی همگرای متغیرهای پنهان پژوهش

متغیرهای مکنون	اختصار	میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5)
کارکردهای حسابداری آناشستی	AAF	۰/۵۶۲
رعایت منافع فردی	IIO	۰/۸۴۵
رعایت منافع نهادی	NIO	۰/۷۵۱
رعایت منافع اجتماعی	SIO	۰/۷۶۹
پاسخگویی شرکت	ACCF	۰/۵۹۳
پاسخگویی قانونی	L – ACC	۰/۶۲۳
پاسخگویی حرفه‌ای	P – ACC	۰/۸۱۴
پاسخگویی فردی	I – ACC	۰/۶۷۷

نتایج بدست آمده از جدول ۱۲ نشان می‌دهد، براساس میانگین واریانس استخراجی تمامی معیارهای آزمون فرضیه که بالاتر از [۰/۵۰] می‌باشد، می‌توان روایی همگرایی را برای مطلوبیت برآزش سازه‌های تحلیل حداقل مربعات جزئی مورد تأیید قرار داد. برای اطمینان خاطر بالاتر و همگن نمودن داده‌ها در روایی و پایایی، نسبت به انجام پیش آزمون روایی واگرا نیز اقدام می‌شود. در واقع این روایی نشان می‌دهد تا چه اندازه سازه‌های ساختاری مدل آزمون فرضیه پژوهش براساس نسبت معیارهای هر متغیر، دارای تعامل بالاتری با شاخص هایش می‌باشد. لذا باتوجه به جدول ۱۳، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی قرار دارند، بیشتر است.

جدول ۱۳: ماتریس فورنل و لارکر جهت بررسی روایی واگرا

متغیرهای مکنون	اختصار	AAF	IIO	NIO	SIO	ACCF	L - ACC	P - ACC	I - ACC
حسابداری آمارحیستی	AAF	۰/۸۸۰							
رعایت منافع فردی	IIO	۰/۶۴۲	۰/۹۱۹						
رعایت منافع نهادی	NIO	۰/۶۰۹	۰/۰۸۵	۰/۸۶۷					
رعایت منافع اجتماعی	SIO	۰/۷۸۳	۰/۲۶۲	۰/۲۳۹	۰/۸۷۷				
پاسخگویی شرکت	ACCF	۰/۶۷۹	۰/۴۴۹	۰/۴۳۶	۰/۴۹۱	۰/۸۷۰			
پاسخگویی قانونی	L - ACC	۰/۶۰۲	۰/۴۸۳	۰/۲۴۶	۰/۴۷۱	۰/۸۱۹	۰/۷۸۹		
پاسخگویی حرفه‌ای	P - ACC	۰/۵۲۱	۰/۳۳۸	۰/۴۴۸	۰/۲۸۵	۰/۷۴۰	۰/۴۱۲	۰/۹۰۲	
پاسخگویی فردی	I - ACC	۰/۴۴۸	۰/۱۹۹	۰/۳۲۹	۰/۳۸۳	۰/۷۵۴	۰/۴۴۱	۰/۳۲۶	۰/۸۲۳

نتایج جدول ۱۳ نیز روایی واگرایی بین متغیرها و معیارهای سنجش را تأیید می‌کند. لذا در ادامه و با تأیید روایی و پایایی، می‌بایست نسبت به اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش اقدام نمود. برای این منظور می‌بایست از دو معیار ضریب تعیین ( $R^2$ ) و ضریب قدرت پیش‌بینی ( $Q^2$ )، استفاده شود.  $R^2$  معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. مطابق با شکل ۵، مقدار  $R^2$  برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که می‌توان مناسب بودن برآزش مدل ساختاری را تأیید نمود. درضمن، به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی الگو از معیاری با عنوان  $Q^2$  استفاده شد. باتوجه به نتایج این معیار در جدول ۱۴ می‌توان نتیجه گرفت که مدل، قدرت پیش‌بینی «قوی» دارد.

بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آناارشیستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده و... ۱۸۵

جدول ۱۴: مقادیر ضریب تعیین ( $R^2$ ) و ضریب قدرت پیش‌بینی ( $Q^2$ )

متغیرهای پژوهش	اختصار	$Q^2$	$R^2$
رعایت منافع فردی	IIO	۰/۳۲۳	۰/۴۱۲
رعایت منافع نهادی	NIO	۰/۲۶۰	۰/۳۷۱
رعایت منافع اجتماعی	SIO	۰/۴۶۱	۰/۶۱۴
پاسخگویی شرکت	ACCF	۰/۲۷۱	۰/۴۶۱
پاسخگویی قانونی	L - ACC	۰/۴۱۱	۰/۶۷۰
پاسخگویی حرفه‌ای	P - ACC	۰/۴۳۷	۰/۵۴۸
پاسخگویی فردی	I - ACC	۰/۳۷۴	۰/۵۶۸

پس از برازش بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل پژوهش حاضر، به منظور کنترل برازش کلی مدل از معیاری با عنوان GOF استفاده شد. که سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای آن معرفی شده است. این معیار از طریق رابطه (۲) محاسبه می‌گردد:

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities}} \times \overline{R^2} \quad \text{رابطه (۲)}$$

Communalities از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای مکنون پژوهش و  $R^2$  میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است.

جدول ۱۵: میزان  $R^2$  و Communalities

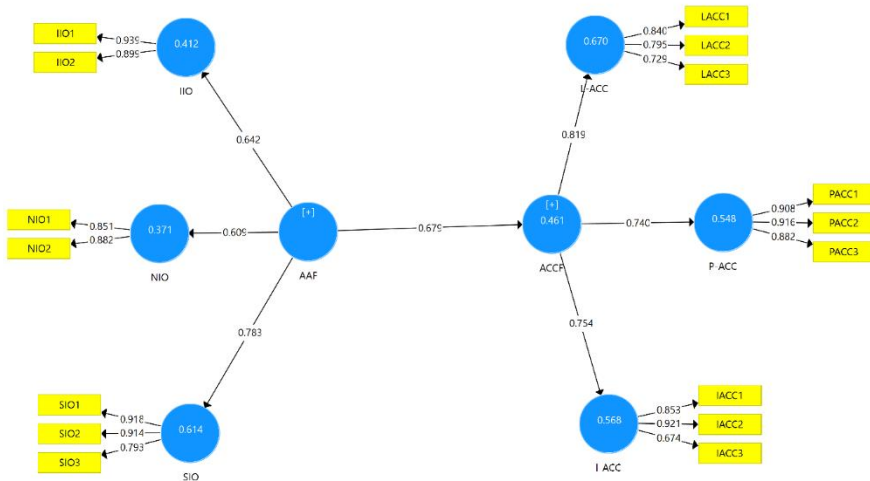
متغیرهای مکنون	اختصار	Communality	$R^2$
کارکردهای حسابداری آناارشیستی	AAF	۰/۲۲۰	—
رعایت منافع فردی	IIO	۰/۴۵۴	۰/۴۱۲
رعایت منافع نهادی	NIO	۰/۲۵۲	۰/۳۷۱
رعایت منافع اجتماعی	SIO	۰/۵۲۱	۰/۶۱۴
پاسخگویی شرکت	ACCF	۰/۲۰۴	۰/۴۶۱
پاسخگویی قانونی	L - ACC	۰/۲۵۹	۰/۶۷۰
پاسخگویی حرفه‌ای	P - ACC	۰/۵۹۳	۰/۵۴۸
پاسخگویی فردی	I - ACC	۰/۳۷۱	۰/۵۶۸

جدول ۱۶: نتایج برازش مدل کلی

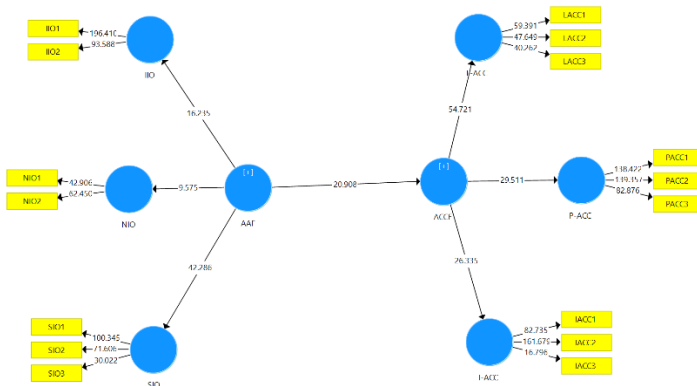
GOF	$R^2$	Communality
۰/۴۲	۰/۵۲	۰/۳۵

باتوجه به مقدار بدست آمده برای GOF به میزان ۰/۴۲، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود. پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش

مناسب مدل کلی و باتوجه به شکل‌های ۵ و ۶، به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول ۱۶، ارائه شده است.



شکل ۵: مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل ۶: مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب معناداری

باتوجه به مدل ساختاری و ضرایب بار عاملی، در قالب جدول ۱۶ می‌توان نتیجه آزمون فرضیه

پژوهش را مشاهده نمود:

جدول ۱۶: نتایج آزمون فرضیه

فرضیه پژوهش	شرح	ضریب مسیر (B)	معناداری (T-) (Value)	نتیجه آزمون
فرضیه پژوهش	کارکردهای حسابداری آمارشیستی بر پاسخگویی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد.	۰/۶۷	۲۰/۹۰	تأیید فرضیه

باتوجه به شکل ۵ و ۶، ضریب استاندارد شده (ضریب مسیر)، ابعاد برآمده از کارکردهای حسابداری آمارشیستی بر پاسخگویی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد، چراکه ضریب مسیر مثبت و برابر با ۰/۶۷ می‌باشد و آماره  $t$  نیز برابر با ۲/۰۹۰ می‌باشد، که باتوجه به اینکه بزرگتر از ۱/۹۶ است، در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

### بحث و نتیجه گیری

هدف این مطالعه بررسی تأثیر کارکردهای حسابداری آمارشیستی بر پاسخگویی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. براساس نتیجه آزمون فرضیه پژوهش مشخص شد، کارکردهای حسابداری آمارشیستی بر پاسخگویی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تفسیر این نتیجه بایستی بیان گردد که اساساً فرآیندهای پیاده‌سازی رویه‌های حسابداری شرکت‌هایی که علاوه بر رعایت اصول بنیادین در حرفه مبنی بر التزام عملی به استانداردهای تعیین شده، از پایبندی بالاتری به لحاظ رعایت حقوق ذینفعان در افشاء گسترده‌تر اطلاعات برخوردار هستند، غالباً آگاهانه یا حتی بدون آگاهی از ارزش‌های برابری، در مسیر کارکردی حسابداری آمارشیستی گام بر می‌دارند و به نوعی مبارزه با نابرابری‌ها و عدم تقارن‌های اطلاعاتی را به یک هنجار عملکرد حرفه‌ای در حسابداری بدل می‌نمایند و این مسئله می‌تواند سطح پاسخگویی‌های شرکت‌ها را چه از منظر قانونی و حرفه‌ای و چه از منظر فردی تقویت نماید. چراکه بسط آمارشیست‌گرایی عملکردی در پیاده‌سازی رویه‌های حسابداری مسئولانه، سبب می‌شود تا با درک پیامدهایی که از اتکاء به تعهد در حرفه و پایبندی به ارزش‌هایی فراتر از تخصص و مهارت‌های اجرایی حسابداران ظاهر می‌شود، سطح اعتماد و اطمینان فرآیندهای ذینفعان از کسب اطلاعات متقارن تقویت گردد و با مشروعیت‌بخشیدن به کارکردهای این حرفه در رعایت اعتدال و انصاف، شرکت نسبت به رقبای خود از مزیت‌های بیشتر برخوردار باشد. در واقع مسئله پاسخگویی را می‌بایست بروندادی از کارکردهای حسابداری آمارشیستی تلقی نمود

که بر پایه‌ی هویت‌های انگیزه‌بخشی که به دلیل رعایت حقوق فردی منابع انسانی، حقوق نهادی/حاکمیتی و حقوق اجتماعی از طریق افشاء اطلاعات حاصل می‌شود، شرکت‌ها را در موقعیت صیانت از منافع اکثریت (عموم سهامداران و سایر ذینفعان) در برابر منافع اقلیت (بنیانگذاران/شرکت، هیئت مدیره یا مدیران مالک) قرار می‌دهد و این مسئله سطح پویایی پاسخگویی به نیازهای بیرون از شرکت را به سمت تعالی هدایت می‌کند. پاسخگویی از این منظر دارای اهمیت است که به عنوان یک فاکتور اثرگذار بر کسب مشروعیت بالاتر، می‌تواند در اعتمادافزایی ذینفعان علی‌الخصوص در شرایط حاد امروز بازار سرمایه در ایران، مؤثر باشد و ابزار اهرمی که در این مسیر می‌تواند اهداف گسترده‌تری از چنین انتظاراتی را برآورده سازد، سازوکارهایی مسئولانه و متعهدانه‌ی حرفه حسابداری در افشاء فراگیرتر اطلاعاتی است که گاهاً برخی از شرکت‌های دارای رویکردهای مغایر با توازن‌گرایی و کاهش هزینه‌های نمایندگی، سعی دارند به صورت گزینشی صرفاً اخبار و اطلاعاتی را منعکس نمایند که منافع صاحبان قدرت را در اولویت قرار دهد. لذا رویکردهای حسابداری پیشرفته همچون حسابداری آنارشیستی که با آگاهی از نیازهای بیرونی، در تلاش برای ایجاد برابری و ضدیت با قدرت‌گرایی صرف ساختار شرکت‌های انحصارگرا هستند، از ظرفیت‌های بالاتری در پاسخگویی برخوردار می‌باشند. پاسخگویی متکی به چنین هنجارهای رفتاری و عملکردی در توسعه دامنه‌ی حسابداری مسئولیت‌پذیر، می‌تواند فرصت‌های کافی را در عرصه‌های قانونی، حرفه‌ای و فردی ایجاد نماید تا به دلیل محرک‌های ادراکی ایجاد شده در سطح شرکت مبنی بر احترام به حقوق افراد چه در داخل ساختار و چه در بیرون شرکت، از مسئولیت‌پذیری بالاتری در برابر حیطه‌ی اختیارات تحت تصدی خود برخوردار باشند و متعهدانه در راستای منافع همگرای شرکت با منافع اجتماعی و منافع سرمایه‌گذاران/سهامداران اقدام نمایند. نتیجه این مطالعه به دلیل ماهیت پیاده‌سازی آن در شناسایی زمینه‌های حسابداری آنارشیستی و ترکیب آن با پاسخگویی شرکت‌ها، قابل تطبیق با پژوهش‌های دیگر نمی‌باشد. چراکه مرور پیشینه‌های پژوهشی ارائه شده در بخش دوم مطالعه نشان داد که پژوهش‌هایی که ترکیب و توالی متغیرهای این مطالعه را مدنظر قرار داده باشند، در گذشته انجام نشده است و این مطالعه را می‌بایست شروع پژوهش‌های آینده‌ای در خصوص توسعه ادبیات نظری ترکیبی بین دانش حسابداری با سایر علوم بین‌رشته‌ای تلقی نمود.

اما براساس نتیجه کسب شده از آزمون فرضیه پژوهش، اولاً به سیاستگذاران و هنجارگرایان این حرفه توسعه می‌شود تا ارزش‌های متوازن‌تری از حسابداری را با ارزش‌های ناشی از زمینه‌های اجتماعی در رویکردهای آموزش حرفه‌ای به متصدیان این عرصه، ترویج دهند تا به عنوان یک جزء از پاسخگویی شرکت‌ها در آینده، پیش‌گام‌های مؤثری برای توازن‌گرایی در بازار سرمایه برداشته شود. چراکه درک و شناخت نظری مفهوم آنارشیسم، می‌تواند در منسجم ساختن ادراک فراگیرتر رویه‌های حسابداری مطابق با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع مؤثر باشد. ثانیاً به استانداردگذاران حوزه حسابداری و گزارشگری مالی توصیه می‌شود تا ظرفیت‌های ارزش منصفانه در برآوردهای مالی و افشاء اطلاعات را براساس استدلال‌های تقارن‌پذیری اطلاعات مبتنی بر ارزش‌های هنجاری آنارشیسم در حسابداری به گونه‌ای مدنظر قرار دهند تا به ارتقاء مشروعیت بالاتر حسابداری کمک نماید. به طور خاص این مطالعه پیشنهاد می‌کند که استانداردگذاران باید اقدامات لازم را برای تغییر پارادایم حسابداری و حرکت از پوزیتیویسم صرف به ارزش‌گرایی اجتماعی با ترویج هنجارهای حسابداری کاربردی انجام دهند. با این حال، سیاست‌گذاران می‌توانند از طریق حسابداری آنارشیستی به تعادلی بین استانداردهای حسابداری و ارزش‌های اجتماعی دست یابند و شرکت‌ها را در مسیر تعامل اجتماعی، از قابلیت‌های پاسخگویی بالاتر برخوردار نمایند. همچنین براساس مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی که توجه بیشتر ذینفعان را به خود جلب می‌کند، به شرکت‌ها توصیه می‌شود، رویه‌های پیاده‌سازی حسابداری را به عنوان ابزاری برای بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها مدنظر قرار دهند تا مزیت‌های رقابتی بالاتری به دلیل اعتماد بیشتر سهامداران کسب نمایند. بنابراین، ضروری است که حسابداری مبتنی بر رویکرد آنارشیسم، ظرفیت‌های قابل بسط‌تری را از نظر کارکردهای رقابتی در سطح بازار سرمایه بدلیل توجه بر تعامل‌پذیری بالاتر ذینفعان ایجاد نماید تا به مزیت شرکت‌ها در پاسخگویی و اقناع نیازهای اطلاعاتی منجر شود.

#### یادداشت‌ها

1. Bourgeoisie
2. White & Williams
3. Nosenzo and Tufano
4. Sandström
5. Funnell
6. Blouch et al.
7. Grossi et al.
8. Sinclair
9. Dubnick
10. Mulgan

- |   |                             |
|---|-----------------------------|
| 11. Li et al.                                     | 12. Bovens                  |
| 13. Favere-Marchesi and Pincus                    | 14. Erkkila                 |
| 15. Ferretti                                      | 16. Fadaee                  |
| 17. Williams                                      | 18. Rusche                  |
| 19. Kinna and Prichard                            | 20. White & Williams        |
| 21. Musmini et al.                                | 22. Tinker                  |
| 23. Marginalism Economic                          | 24. Catchpowle and Smyth    |
| 25. Agbodjo et al.                                | 26. Pires et al.            |
| 27. Franks  | 28. Cerny and Prichard      |
| 29. Love and Stout                                | 30. Guthrie and Parker      |
| 31. Ferry et al..                                 | 32. Goddard                 |
| 33. Narayan and Oru                               | 34. Azim and Ara            |
| 35. Engez and Aarikka-Stenroos                    | 36. Leoni et al.            |
| 37. Accounting, Auditing & Accountability Journal | 38. Ukwatte Jalathge et al. |
| 39. Counter-Accounting                            | 40. Di Tullio et al.        |
| 41. Catchpowle and Smyth                          | 42. Shin et al.             |
| 43. Validation Triangulation                      | 44. Intrinsic Bias          |

### منابع

- اردستانی، علی. (۱۳۸۹). آنارشیسم نظری: در جست و جوی مبنایی روش شناختی برای جامعه‌ی آزاد، فصلنامه سیاست، ۴۰(۳): ۴۱-۵۳.
- اقدامزرعه، یعقوب؛ نیکومرام، هاشم؛ بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۶). دموکراسی و توسعه حسابداری، مجله حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۲): ۷۱-۸۰.
- باورصاد، بلقیس؛ نیس، عبدالحسین؛ داراییان، پگاه. (۱۳۹۷). تأثیر چابکی راهبردی بر پاسخگویی عملیاتی و عملکرد سازمانی، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۹(۳۶): ۶۵-۸۳.
- حسین‌زاده، عبدالله؛ موسوی‌شیری، سیدمحمود؛ حاجیها، زهره؛ نیکومرام، هاشم. (۱۴۰۲). ارزیابی همگرایی و واگرایی بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری: آزمون نظریه مدیریت ذینفعان، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲(۴۶): ۱۴۱-۱۵۴.
- زارع، ایمان؛ غلامی‌جمکرانی، رضا؛ مرادی، محمد؛ بابایی‌فرد، اسدالله؛ جهانگیرنیا، حسین. (۱۴۰۱). پاسخگویی در حسابداری از منظر اسلام با محوریت تئوری ساخت‌یابی، نشریه تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰(۲۰): ۸۳۱-۸۵۵.
- غلامی‌جمکرانی، رضا و کاوه، محمدحسین. (۱۳۹۸). پیامدهای بکارگیری استانداردهای

حسابداری بخش عمومی از دیدگاه مسئولیت پاسخگویی در چارچوب چک لیست نشان ملی پاسخگویی (مطالعه موردی: بیمارستان‌های دولتی استان فارس)، *حسابداری سلامت*، ۸(۲): ۷۷-۹۵

فتحی، محمدحسین و کرمی، روح‌الله. (۱۴۰۲). تأثیر رهبری و ظرفیت حسابداری بر پاسخگویی از طریق کیفیت گزارشگری مالی، *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۳(۳): ۶۳-۹۲.

قرائی‌پور، مهدی؛ عبدلی، محمدرضا؛ شهری، مریم و ولیان، حسن. (۱۴۰۳). رویکرد پدیدارشناسی پارادایم‌های تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری: برآیندی از مشروعیت حرفه حسابداری، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۴(۴): ۲۲۷-۲۸۰.

محمدی، فرزانه؛ صفری‌گرایی، مهدی؛ عرب‌زاده، میثم؛ فرزین‌فر، علی‌اکبر. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر حسابداری خلاقانه بر ادراک ناهمگون سرمایه‌گذاران، *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۱۲(۲): ۱۰۳-۱۴۳.

- Agbodjo, S., Toumi, K. and Hussainey, K. (2021). Accounting standards and value relevance of accounting information: a comparative analysis between Islamic, conventional and hybrid banks, *Journal of Applied Accounting Research*, 22(1): 168-193. <https://doi.org/10.1108/JAAR-05-2020-0090>
- Aghdam Mazraeh, Y., Nikoomaram, H. and Banimahd, B. (2017). Democracy and accounting development, *Management Accounting*, 10(32), 71-80. [in Persian].
- Ardestani, A. (2010). Theoretical anarchism: in pursuit of a base for a free society, *Plotical Quarterly*, 40(3): 41-53. [in Persian].
- Azim, M, D. and Ara, J. (2015). Accountability of accounting stakeholders, *Global Journal of Management and Business Research*, 15(2): 5-10
- Bavarsad, B., Nias, A. H. and Darabian, P. (2019). Impact of strategic agility on operational responsiveness and organizational performance, *Journal of Strategic Management Studies*, 9(36): 65-83. [in Persian].
- Blouch, R., Khan, M.M. and Shakeel, W. (2023). A bottom-up role of information asymmetry: opening the black-box of firms' resource allocation mechanism, *Global Knowledge, Memory and Communication*, 72(1/2): 210-230. <https://doi.org/10.1108/GKMC-08-2021-0135>
- Bovens, M. (2005). Public accountability, in the oxford handbook of public management; Ferlie E., Lynne L., Pollitt C., Eds.; *Oxford University Press: Oxford*.

- Bovens, M. (2010). Two concepts of accountability: accountability as a virtue and as a mechanism, *West European Politics*, 33(5): 946-967. <https://doi.org/10.1080/01402382.2010.486119>
- Catchpole, L. and Smyth, S. (2018). Accounting and social movements: an exploration of critical accounting praxis, *Accounting Forum*, 40(3): 220-234.
- Di Tullio, P., La Torre, M., Rea, M.A., Guthrie, J. and Dumay, J. (2023). Beyond the planetary boundaries: exploring pluralistic accountability in the new space age, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-08-2022-6003>
- Dubnick, M. (2005). Accountability and the promise of performance: in search of the mechanisms, *Public Performance and Management Review*, 28(3): 376–417.
- Engenz, A. and Aarikka-Stenroos, L. (2023). Stakeholder contributions to commercialization and market creation of a radical innovation: bridging the micro and macro levels, *Journal of Business and Industrial Marketing*, 38(13): 31-44. <https://doi.org/10.1108/JBIM-03-2022-0136>.
- Erkkila, T. (2007). Governance and accountability: a shift in conceptualization, public administration quarterly, *This paper was first presented at the Annual Conference of European Group of Public Administration*, 1-4. September 2004 in Ljubljana, Slovenia, pp. 1-39.
- Fadaee, S. (2023). Inequality and social movements. in: jodhka, s.s., rehbein, B. (eds) *Global Handbook of Inequality*. Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-030-97417-6\\_24-1](https://doi.org/10.1007/978-3-030-97417-6_24-1)
- Fatheh, M. H. and Karami, R. A. (2023). Effects of leadership and accounting capacity on accountability through the quality of financial reporting. *Journal of Accounting and Social Interests*, 13(3), 63-92. [in Persian].
- Favere-Marchesi, M. and Pincus, K.V. (2006). The impact of accountability on the processing of nondiagnostic evidence, Arnold, V., Clinton, B.D., Lockett, P., Roberts, R., Wolfe, C. and Wright, S. (Ed.) *Advances in Accounting Behavioral Research* (Advances in Accounting Behavioural Research, Vol. 9), Emerald Group Publishing Limited, Bingley, pp. 1-25. [https://doi.org/10.1016/S1475-1488\(06\)09001-6](https://doi.org/10.1016/S1475-1488(06)09001-6)
- Ferretti, F. (2016). Organisation and formal activism: insights from the anarchist tradition, *International Journal of Sociology and Social Policy*, 36(11/12): 726-740. <https://doi.org/10.1108/IJSSP-11-2015-0127>

- Ferry, L., Midgley, H. and Haslam, J. (2024). Democracy, accountability, accounting and trust: A critical perspective reflecting on a UK Parliamentary inquiry into the role of government accounts, *Critical Perspectives on Accounting*, 99(2): 27-52. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2024.102738>
- Franks, B. (2010). Anarchism and the virtues. in: franks, b., wilson, m. (eds) anarchism and moral philosophy. *Palgrave Macmillan*, London. [https://doi.org/10.1057/9780230289680\\_8](https://doi.org/10.1057/9780230289680_8)
- Funnell, W. (2007). Accounting and the virtues of anarchy, *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 1(1): 18-27.
- Gharaeepour, M., Abdoli, M., Shahri, M. and Valiyan, H. (2024). The phenomenological approach of structural transformation paradigms in the accounting profession: the accounting profession legitimacy. *Empirical Research in Accounting*, 14(4): 227-280. [in Persian].
- Gholami Jamkarani (Ph. D.), R. and Kaveh, M. (2020). The outcomes of implicating public sector accounting standards from the perspective of accountability in the framework of the national accountability checklist (a case study: governmental hospitals of fars province). *Journal of Health Accounting*, 8(2): 77-95. [in Persian].
- Goddard, A. (2021). Accountability and accounting in the NGO field comprising the UK and Africa: A Bordieusian analysis, *Critical Perspectives on Accounting*, 78(2): 119-137. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2020.102200>
- Grossi, G., Laguecir, A., Ferry, L. and Tucker, B. (2024). Accounting and accountability for managing diversity tensions in hybrid organizations, *The British Accounting Review*, 56(5): 1-17. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2024.101470>
- Guthrie, J. and Parker, L. (1990). Corporate social disclosure practice: a comparative international analysis, *Advances in Public Interest Accounting*, 3(2): 159-175.
- Hoseinzade, A., Mousavi Shiri, M., Hajiha, Z. and Nikoomaram, H. (2023). Assessing convergence and divergence between accounting information quality criteria: stakeholder management theory test. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 12(46): 141-154. [in Persian].
- Kinna, R. and Prichard, A. (2019). Anarchism and non-domination, *Journal of Political Ideologies*, 24(3): 221-240. <https://doi.org/10.1080/13569317.2019.1633100>
- Leoni, G., Lai, A., Stacchezini, R., Steccolini, I., Brammer, S., Linnenluecke, M. and Demirag, I. (2022). The pervasive role of accounting and accountability during the COVID-19 emergency,

- Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 35(1): 1-19. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-10-2021-5493>
- Li, P., Lai, J., Zhou, D., Yang, Y., Wu, W., Fang, J. (2023). Multi-authority anonymous authentication with public accountability for incentive-based applications, *Computer Networks*, 231(1): 362-379. <https://doi.org/10.1016/j.comnet.2023.109828>
- Love, J.M. and Stout, M. (2018). Are social movements prefiguring integrative governance?, (Critical Perspectives on International Public Sector Management, Vol. 6), *Emerald Publishing Limited, Leeds*, pp. 7-34. <https://doi.org/10.1108/S2045-794420180000006001>
- Mohammadi, F., Safari Gerayli, M., Arabzadeh, M. and Farzinfar, A. (2024). Investigating the effect of creative accounting on the heterogeneous perception of investors. *Applied Research in Financial Reporting*, 12(2): 103-143. [in Persian].
- Mulgan, R. (2003). One cheer for hierarchy-accountability in disjointed governance, *Political Science*, 55(2): 6-18.
- Musmini, L.S., Yuniarta, G.A., Sulindawati, N.L.G. and Yudiantara, G.A.P. (2019). Epistemology of accounting practices: another frame of objectivity claims, *Proceedings of the International Conference on Tourism, Economics, Accounting, Management, and Social Science*. <https://doi.org/10.2991/teams-19.2019.66>
- Narayan, A.K. and Oru, M. (2024). Accounting as a social and moral practice: bridging cultures, balancing Indigenous factors, and fostering social accountability, *Meditari Accountancy Research*, 32(5): 1734-1757. <https://doi.org/10.1108/MEDAR-06-2023-2044>
- Nosenzo, D. and Tufano, F. (2017). The effect of voluntary participation on cooperation, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 142(2): 307-319. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2017.07.009>
- Pires, R., Alves, M.C.G. and Fernandes, C. (2023). The usefulness of accounting information and management accounting practices under environmental uncertainty, *Journal of Risk and Financial Management*, 16(2): 102-123. <https://doi.org/10.3390/jrfm16020102>
- Rusche, J. (2022). Imagining peace outside of liberal statebuilding: anarchist theory as pathway to emancipatory peace facilitation, *Alternatives: Global, Local, Political*, 47(1): 73-91. <https://doi.org/10.1177/03043754221074618>
- Sandström, A. (2021). Anarchist accounting: accounting principles for a democratic economy, *British Library Cataloguing-in-Publication Data*, Routledge.

- Shin, H., Nam, J., DaeSoo, L., Hosun Rhim, K. (2015). Strategic agility of Korean small and medium enterprises and its influence on operational and firm performance, *International Journal of Production Economics*, 168(3): 181-196.
- Sinclair, A. (1995). The chameleon of accountability: forms and discourses, *Accounting Organizations and Society*, 20(2): 219-237.
- Sri Musmini, L., Adi Yuniarta, G., Erni Sulindawati, N, L, G., Pertama Yudiantara, G, A. (2019). Epistemology of accounting practices: another frame of objectivity claims, *Proceedings of the International Conference on Tourism, Economics*, 2(2): 110-139. <https://doi.org/10.2991/teams-19.2019.66>
- Tinker, T. (1985). Paper prophets: a social critique of accounting, *Holt, Rinehart and Winston, London*.
- Ukwatte Jalathge, S.L., Tran, H., Ukwatte, L., Lemma, T. and Samkin, G. (2023). Accounts and counter-accounts: accounting and accountability for asbestos-related liabilities, *Meditari Accountancy Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/MEDAR-05-2023-2006>
- Valiyan, H. and Abdoli, M. (2024). Toward an epistemology for anarchist accounting and stakeholder relationship capability: evidence from Iran, *Journal of Accounting & Organizational Change*, 20(4): 647-672. <https://doi.org/10.1108/JAOC-04-2023-0066>
- White, R.J. and Williams, C.C. (2014). Anarchist economic practices in a 'capitalist' society: some implications for organization and the future of work, evaluating the informal economy in the United Kingdom, *Ephemera: Theory and Politics in Organization*, 14(4): 951-975.
- Williams, D, M. (2024). The significance of social movement theory to anarchism, *Black Flags and Social Movements: A Sociological Analysis of Movement Anarchism*, *Oxford Academi: Manchester Scholarship Online*, 3(2): 1-19. <https://doi.org/10.7228/manchester/9781526105547.003.0004>
- Zare, I., Golami-Jamkarani, R., Moradi, M., Babaeifard, A. and Jahangirnia, H. (2021). Accountability in accounting from the perspective of Islam by the focus on Structuration Theory. *Islamic Finance Researches (IFR)*, 10(2), 831-855. [in Persian].